

چون در غیاب نواب مستطاب برآوده والا با حرم سلطه اشراک ترکان منجی و قریاب و صحیح است
 خالی دیده نیای هرگز که گشته بودند و کاهی اتفاق کرده با طرف اولایت چاول و دست اندازی میکرد
 بعد از آنکه مقرب الخاقان قوام الدوله و لیکار خراسان از اردوی نواب منجی الیه مراجعت نموده وارد ارض
 گردید حسب الامر اولیای دولت علیه سواره و سرباز با استعداد و بیعتات اولایت فرستاده متوجه
 در شب دوازدهم رمضان المبارک خیر مقرب الخاقان مشا را الیه رسیده بود که اشراک خراس و قریابی با اتفاق
 محمد شیخ که از مشایخ معتدین و مجید اوقات لیسارت و فتا و تاخت و تار نشنول و در رسم چاول و الا
 ما هر و معد و فیل بود چهار هزار سوار جمعیت کرده تاخت بلوک سیرجام و سیوه ژن آمده اند و اشراک
 گروه زنده سوارشان از فرط هورا از آنجا نیر گشته تهنه شب او آمده اند مقرب الخاقان مشا را الیه
 وصول این خیر فوراً شبانه آدم نیز مقرب الخاقان ابوالفتح خان سیرت که با سرباز و سواره در سرحد
 فرستاده اخبار نمود که از حرکت سواره ترکان خبر دار بوده آنها را جلو گیر نماید و خود نیز صبح زود از ارض
 اقدس بیرون آمده بقدر هزار و پانصد نفر سواره چهار دولی و خمسه و خراسانی و هزاره که در شهر حاضر
 سان دیده بعضی که سبهای خود را بچین فرستاده بودند از خود اسب داده با لیگار و استیجال روانه نمود
 و قراولهای بلوک کار از نموده سب را بهما فرستاده که خبر مراجعت سواره ترکان را برسانند که از روی بصیرت
 بمقابل آنها اقدام نشود و قراولهای اردو نیز همه جا از دور با سواره منور به راه بوده جدا نکرد دیده و خبر
 و سکون آنها را متواتر با زود میرسانند تا روز چهاردهم رمضان المبارک خیر اولان با زود رسید که
 ترکان از سمت جلگه سکند و کیانی که دو فرسخی اردو است خواهند گشت مقرب الخاقان ابوالفتح خان نیز با سرباز
 سواره و خواص خراسانی دو عتاده توپ و هزار نفر سرباز زنده از فوج خودش و فوج عجم و دو هزار و پانصد
 بجلو آنها رفته سوار ترکان هم که سیرجام و سیوه ژن و جلگه بلوک را تا خت از ایلات و اقامت بموری و بلوچ بقدر
 سی هزار که سفند و سه هزار شتر و مادیان و گاو و الاغ غنیمت آورده و متجاوز از هزار زن و مرد و خورد و
 از رعیت دانت و بلوکات و زایرین و عابریین که بارض اقدس می آمدند و بستند ترکانان افتاده بودند
 داشتند در روز چهارم رسم وارد کارش شده و شب پانزدهم از آنجا حرکت کرده رو بکیانی میرفتند تا
 صبح غاریان حضرت نشان آنها را جلو گیر کرده بعضی اینکه چهار تیر توپ بیان آنها انداخته شد روی از مو که
 سینه بر تاقه دست خیرت بکوش و پای غیرت در کر زنها و تمامی اموال و اسبانی که سیراه داشتند بجا گذاشته
 راه فرایش گرفتند لشکر فیر دزی اثر آنها را تکمیلی کرده زیاده از سیصد نفر آنها را مقتول و معلول و اسیر کرده
 بر این تیرکت تار نفس که برای نیرت و جنیت بر کس با خود داشتند سواره و اغلب زخم دار جان بدر برده بودند

۲۱۷۶

چون اسبان عساکر منصوره سجد اطفا را ز قوه تافتن مانده بودند از تعاقب آنها عثمان مبارکشیده مراجعت نمودند
 و تمامی اسرا و غنایم و دو اب را که استرداد کرده بودند بارض اقدس آورده بصاحبان رده نمودند و از اسرا
 طایفه ضاله که دستگیر کرده منصوره شده و بارض اقدس آورده بودند از قرار یک در روزنامه کوشه
 در وقت بردن بجهس امانی ارض اقدس سجد از تیبی که سالها از آنها دیده بودند هجوم آورده بقدر خجانه
 آنها را پاره پاره کردند با سجد مقرب بخاقان ابوالفتح خان سرسپ و پیرزخان سرسپ چهار و ولی و بهادر
 بیکریکی خصوصاً و سایر سردگان عراقی و سحرانی عموماً کمال شادت و جلالت را بعمل آورده مراسم
 آنها و اهتمامات مقرب بخاقان قوام الله اوله در فرستادن سواره بازو و محسن خاطر اقدس ^{علیه} بیون
 قوی شوکت شاهنشاهی اید الله حیثه امنای دولت علیها فاده در این اوقات سجد هر یک از آنها بذل
 التفات ملوکانه خواهد شد (چون ذاب شاهزاده والایا با احتضاد استظفه علیقی میرزا حبشانه
 علیه ملوکانه در تصنیف و تالیف تاریخ افغانستان آنها را تمام و مراقبت و فضل و کیاست خود را
 ساخته با سلب خوب و طرز مرغوب تاریخ مزبور را تمام کرده و از عرض پیکاه عظمت مستگاه بیون
 اقدس عالی گذرانیده شرف سجتان یافت و همچنین هر خدمتی که بعد از کفایت و کفالت ایشان
 شده است بطورهای اکل و اجمل انجام داده موقع قبول یافته مطبوع و مستحسن افتاده است لهذا مورد
 و اعطای نشان آمده با عطای بکثرت بقای مخصوص تن مبارک قرین مبالغت کردید) (نظر بر آیت
 و محاسن خدمات مقرب بخاقان آقا محمد حسن مهر دار که خاطر اقدس بیون شاهنشاهی را قرین
 خرسندی داشته در این اوقات شایسته التفات مجدد آید که مقطعه نشان ایشان تصویر مبارک منگول
 بالاس از جانب سنی ابجانب ملوکانه مقرب بخاقان مشارالیه رحمت کردید که رب سکر مفاخرت و
 مبالغت نموده خاطر اقدس ملوکانه پیش از پیش خرسند دارد) (چون مقرب بخاقان عین الملک
 در لوازم خدمتگذاری مراقبت و موافقت تمام داشته امور دارال نظر مبارکه را منظم و لیا و نهاده
 در خدمت محوله بنحو کمال اهتمام را معمول دارد و لهذا در روز عید فطر بکثرت بجهت ترمیم زمردی از طوبس
 بدین مبارک مقرب بخاقان مشارالیه رحمت و عنایت کردید **سایر ولایات**)
 خراسان از قرار یک در روزنامه ارض اقدس نوشته اند امور انولایت قرین کمال انظام است
 و درین اوایل بهار که باران زیاد و مطلوب است سجد الله بارانهای بسیار نافع خوب باریده و کمال امید
 برای انالی انولایت حاصل گردید با اینکه پوسته زواری زیاد از اطراف بلاد ممالک محروسه بارض اقدس
 اجناس و کولات از هر قسم از آن است و نهایت دفور را وارد از جمله کدم خرداری دو تومان و سجد

۲۱۷۷

تا آنکه رسید و تیار و سایر اجناس ناگولتسین نسبت به چیزی و فرورداد مالی ولایت و زوار بلوچان
مرحله در رفاه و آسایش اند که کرمان از قرار که در روزنامه کرمان نوشته اند کمال انتظام و اینست در آن
ولایت حاصل است امیر الامرا العظام سپهسالار حکمران کرمان و مشرف سخاقتان میرزا محمد وزیر در حفظ نظم ولایت
رعایا و برای او انجام خدمات دیوان و معاملات داد و ستد دیوانی مراقبت و مواظبت نام دارند مباشرین و
کلیکداران شایسته و این در هر بلوک و محفل گذاشته و یکاشته اند کسی قدرت حرکت خلاف در بیاد
و اجحاف نسبت بر رعایا ندارد و خود نیز هر روزه بدیوانخانه و دفتر نشسته بجز ایض و مطالب مردم و حاجات
معاملات ولایتی رسیدگی نمایند و عموم مالی ولایت باینجا است و سودگی و فرخت و حصول اغت بدعا کوی
دانت اقدس با یون شایسته خلد الله ملک و سلطان مشغول شده و سجد الله فرموده فی و ارزانی هم در اولایت
حاصل است خود امیر الامرا العظام سپهسالار سمرقند کرمان به بیرون شهر نقل مکان کرده بود و در
اوقات که دیگر حرکت قشون بان طرف لازم نشد باز کرمان معاودت نمود و طرق و شوارع آن اطراف
باینست و نظم است و قوافل و زوار از راه فارس و سراسر آن با سو اکی و اهلین در عبور و مرورند و درین وقت
انه بلده و بلوکا جمعیت زوار بارض اقدس روانه گردیدند و همچنین از فارس نیز قافله وارد شده و هیچ
تباکوی فراوان بکرمان و بلوکات آورده اند و از نظم و امنیت راهها زیاده اظهار رضایت و خرسندی میکرده
(دیگر نوشته اند که چند نفر سربازان آموزگار فارس فراتر از بلوک مشهور بکرمان آن آمده در راه بدو نفر
اللاغ دار بر خورده الاغ و اموال آنها را گرفته بودند مستحقین بلوک مزبور مستحق شد رفته سربازان را گرفته
بان بلوک آورده مراتب را بحکمران کرمان اخبار کردند حکم شد که چند نفر از میان مستحقین سربازان را برده در
شهر با یک بعایجه موسی خان شهر با یکی بسیارند که او تبارس فرستاد و بفرستادن متخ سازد) (دیگر از
فراتر یک نفر غلام حسانی کفزار خان نام از سیستان وارد شده مذکور داشته بود و غلام حیدر خان پسر امیر
از قندهار چهار هزار تومان مصوب هفت نفر آذمهای خود بجهت تخریب مستحقین قلعه خراسان قندهار فرستاده بود
از بلوچهای ساکن سیستان مشهور ببلوچ ابراهیم خانی مطلع شده بیت نفر ببلوچها ملین تنخواه رفته هفت نفر را کشته
و تنخواه مزبور را برده اند) (دیگر نوشته اند که بعضی از ضابط و مباشرین بلوکات در سال گذشته بی اعتدال
و تعدی کرده بودند حکمران کرمان بعد از معلوم شدن تعدیات آنها درین سال آنها را معزول و کسان دیگر را
بجای آنها منصوب نمود و بعضی از ضابط و مباشرین نیز رسیدگی کرده هر کدام که بار عاید بطور خوب بلوک کرده
بودند باز بر سر شغل و عمل خود برقرار و مورد التفات گردیدند و بجهت و قهقههای مومک شد که اگر احدی از آنها
رعایا در بلوچ دیوان حیف و مبلی بکند مورد مواخذه و ترحمان باشد

۲۱۷۸

استرپا و از قرار یک در روزنامه استرپا نوشته اند عالیجناب محمد سیراه محمد جسم خان برادر
 معرب انخانان جنر قلیخان بلخانی در انتظام امور ولایت آسودکی رعیت اهتمام زیاد دارد و در غایت معیت انخانان
 مشایخ کمال مراقبت و موافقت در لوازم نیابت حکومت و اوقاف و ولایت و انجام خدمات دیوانی بعضی امور
 و امالی استیجاز عالی و ادائیگی بعضی کار خود و در حاکمونی ذات اقدس جلیون شاهنشاهی خلد الله کلک و سلطان
 استال دارند و کتری صلاح حساب اتفاق می افتد و اگر سرفقت و شرف رتی از کسی ظاهر شود عالیجناب
 در مقام مرفوع آن بر می آید فارس از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند امور ولایت فارس
 و انضباط است نوآبستطاب مؤید الله در حکمران مملکت فارس کمال مراقبت و موافقت در نظم و ولایت در خانه
 و آسودکی رعیت و انجام خدمات دیوانی دارند در ایام ماه مبارک رمضان سوای ایام تعطیل روزهای یکروز
 هر روز ساعت وقت عصر بسلام نشسته بعربین و زاد مردم رسیدگی می نمودند از سایر کارکنان دیوانی هر
 در انجام خدمات موجوده بخواهد اهتمام تمام دارند مسجد الله و ادائیگی و امرانی در ولایت حاصل میست و در ایام
 ایام بهار بارندگیهای کمال در هر جای اتقالات شده رعایا و برابا از این هر طه کمال شکر گذاری را در
 طرق و شوارع فارس در کمال نظم است و حسب حکم نوآب معری الیه مستحفظ و فراسوران و قراول در
 راهها و قراول خانها مستحفظ و حر است مشول و عا برین و مترددین با اطمینان خاطر عبور و مرور می نمایند و بعضی
 امور شهر و محلات شهر از انتظام کامل دارد و خلاف حساب هیچ چیز کسی ناشی و صادر نمی شود و اگر اجنبی
 سرقی اتفاق بیفتد سارق بدست آمده تنبیه و اموال مسروق بصاحبش تسلیم میشود (دیگر نوشته اند که
 نوآب مؤید الله عالیجناب علیقلی خان سرپنجه خرفانی را با فوج از لاجه نهد که بحاجت بواجب و سیاحت آنها رسیدگی
 روانه در باره جلیون شاهنشاهی نمایند **اعلامات** شرح قاموس فارسی را با جمیع ایرادات و آورده و در
 غلطهای جوهری که صاحب قاموس متعرض شده با استشهاده از کتب معتدین مثل تکرر صغانی و تهذیب زهری
 محیط الله صاحب ابن عباد رازی و اسباب سمعانی و مجمع البلدان جموی و مجمع الامثال میدانی و مقتضی الامثال
 اسانس البلاغه مخشری و نهایت ابن اثیر و کتاب عین خلیل و تاج المصدا در وی فی الامی و مجمل ابن فارس
 و سایر کتب معتبره این فن عالیجناب محمد سیراه میرزا عبدالعظیمی شمس دیوان عالی بدستاری چند نفر از
 مدت دو سال بعضی و اهتمام و وقت تمام بقدر امکان تصحیح نموده در کارخانه سیادت کتاب آقا میرزا
 و در این ماه سوال تمام شده از دارالطبعه پیردن می آید هر کس طالب نسخه از کتاب مذکور باشد در
 دارالخلافه طهران در کارخانه آقا میرزا قمر نور بهر نسخه مسبق است تومان فروخته میشود خریداران این نسخه
 بکارخانه آورده اشیاع نمایند

۲۱۷۹

اختیار دولت خارجیه

از فرار که در روزنامه های فرنگستان نوشته اند رسم دولت چین این است که خاقان چین هرگز احکام خود نمی نویسد چهار روز بزرگ و در حال دولت مستدامی را که خدان بخواهد بنام خود میگذرانند و اگر امپراطور باشد و حادثه کلی روی بدهد باید با ستصفا خاقان و لوکوه که صدراعظم آن دولت است و انهم باین قسم است که ده پانزده مرتبه بکلیت مرتبه در هر روز عرضه داشت میشود بعد خاقان ^{حضور} اصدراعظم میدهد که مطبوعه داشته باشد را مشافهت میکند بعد از استماع نیت خود را لفظ موجز مختصر که کچرف باشد با جواب میدهد و رئیس دربار که وزیر اول است میداند که چه باید کرد و چگونه او امر و ولایتها را در هر حالت تصنیط و ربط میدهد و بهین سبب است که خاقان چین بدستی از احوالات و وفایح اتفاقیه مملکت خود شش اطلاع ندارد و با اینکه بفرمانهای فرانس و انگلیس نوشته اند جانشینان در تاریخ و بتم فواید که مطابق چیست احکامی که از خاقان چین بجهت جنگ انگلیس که قریب باین مصنون است لوکوه که وزیر اعظم دولت چین است بجانشینان حساب احکام نوشته است احمی یعنی ای جانشین اجبار بسیار و چیست که تو مرقوم میشود بدقت تمام روایاتی که تو بجهت جنگ انگلی و حتی انگلیس نوشته بودی استخراج کامل حاصل شد لوکوه ازین خبر باخبره احوال منقلب گردید اگر چه بدل خاقان ولی النعمی خود پریشانی حاصل خواهد شد البته لازم است که خاقان ازین اجبار مطلع بشود بعد از بازده مجلس که عریضه نگاری کرده علی التوالی با علیحضرت پادشاه و داده پادشاه لایه شد که باین روایت کوشید بدو دستور العمل معتدیه خود که داده است این است احمی تو ماموری بجنگ کردن با انگلی و حتی و انگلی مبرور که با تو میجنگد باید احدی از آنها در روی زمین زیت کند و سیاست عبرت نمانی از توجیه آنها با احمی بعد از آنکه از آنها انتقام گرفتی و عفو آنها که بخشیم و قوع می یابد اگر باینیت پاک بطور خلوص از حریفی که کرده ایشان شدند ظلمت غضب خاقان ولی النعم خود از هر هم لوکانه از تلاحم سیلاب نورشده را میشود که ترک خصومتها شده مجدداً او داده دوستی و تجارتی با این غریب مثل اول ابتدا بکنند احمی تو این احکام را خواهی شنید و بکنگامی که در زیر فرمان فرمائی تو مستد مجری خواهی داشت این احکام مبرور به پادشاه چین صریح شد در جزیره ماکا و از حکام چین باهل پور تو قال داده اول از لفظ چین بزبان پور تو قال ترجمه شده بعد بزبان انگلیس ترجمه شده و از انگلیس نفرستد این احکام از جانب خاقان چین بدولت انگلیس یک حساب اعلام جنگ است اگر چه چندان باعث تحریک جنگ نمیشود شاید در اندرون ولایات چین بعد از ترقی یافتن تجارت و سهولت نمودن قشون انگلیس که علی التوالی از فرنگستان مامور می شوند آنوقت

۲۱۸۰

حکام ولایات چین بطور شدیدی ملت را تحریک میکنند (دیگر نوشته اند که کشتیهای جنگی انگلیس که در
 زیر حکم لیون سردار بحری دریای سود بود دکلا حرکت کرده بمابطه فرستند دروز حرکت کشتیها در کشتی مسو
 با لبرده که بهترین کشتیهای جنگی انگلیس است لیون سردار صیافت بزرگی بجهت پذیرائی اعلیحضرت سلطان دولت
 عثمانی ترتیب داده بود جناب لاردر و کلیف باسبج اتباع سفارت انگلیس در اینجا حضور داشتند اعلیحضرت
 سلطان باوزرا و رجال دولت عثمانی بکشتی مزبور تشریف بردند در حین داخل شدن سلطان بکشتی لاردر
 انگلیسها مقامات عثمانی را در نهایت خوبی باموریکان زدند و سلطان در آن روز مترجم واسطه حکم
 خود در کمال پاکیزگی بزبان فرانسه تکلم میکرد بطوریکه همه تعجب می نمودند و خویش لاردر و کلیف معجزات
 معجزه اسلامبول سلطان عمارت در آنجا خانه بدولت انگلیس و اگدا کرده انگلیسها بنا دارند عمارت مزبور را
 خراب کرده بکلیت ساقی برتسا ندبازند و عمارت مزبور بقدر چهار صد و پنجاه هزار تومان بحساب
 ایران قیمت دارد) (دیگر نوشته اند که اسپور جنرال نام از دولت انگلیس ببرداری کل قشون انگلیس که
 متوالی بچنگ چین میفرستند مامور شده در روز شنبه هفتم ماه مارس مطابق شعبان از لندن بعبت اسکندریه
 حرکت کرده است که از اینجا بچینگوگت رفته که دولت انگلیس بچنگ عظیم مبادرت نماید) (در ضمن این
 داخله دولت ناپولی چنانچه بکرات در روزهاها نوشته شد دولتین فرانسه و انگلیس تبلیغات و نصایح
 بدولت ناپولی کرده و قبول نشده بود و دولتین مزبور قطع نخواه بر کرده سفرای خود را از ناپولی بر می دارند
 در این اوقات از جانب دولت ناپولی بجهت بیان بعضی مواد فهم که شفا با و ولتین مزبور گفتگو شود
 نام رئیس مجلس ناپولی مامور شده است که اول پاریس و بعد از آن بلژن رفته ماموریت خود را ادا نماید
 (دیگر نوشته اند که چندی قبل ازین سپردیم اعلیحضرت پادشاه بنگلستان بجهت تحصیل علوم و فنون
 بهماک اسو بچه رفته بود در این اوقات جناب پرسن و نقال پسر بزرگ ملک انگلیس که ولعهد است
 بعزم اقامت و سال بجهت تحصیل زبان المانیا و بعضی فنون دیگر بملکت بون که در زیر حکومت
 پروستیا است روانه میشود) (در روزهای سابق نوشته شده بود که از طرف حکومت سپام که
 در هندوستان و در سمت جنوبی چین واقع است ایلی بدولت فرستاده فرستاده شده بود در
 اوقات باز از جانب حکومت مزبور سفیری با سفارت مخصوصه بلژن مامور است که با ملک انگلیس ملاقات
 نماید و از محصولات هند داده و تحفه بعضی اشیاء بلژن می آورد) (دیگر نوشته اند که از امانی چین
 دولت نعلی نصیب استیاج در این اوقات بکشتی فرانسوی که در چین بود سوار شده در میان دریاهای
 عداوتی که با فرنگیها دارند کپتان و امانی کشتی مزبور را باک کرده و کشتی را نیز غرق نموده اند خبر این گذار

۲۱۸۱

بفرانس رسیده از دولت فرانسه نیز مقدار کافی قشون در کشتیهای جنگی بطرف چین فرستاده میشود
 (چنانچه کبریات زر در زمانها نوشته شده است رئیس جمهور مالک مجتمع امریکا و قایم مقام او هر چهار
 سال یکبار سال یکبار فسخ تبدیل شده و با کثرت از انصب رئیس قایم مقام جدید بجای آنها از اصول
 انولایت است و مدت ریاست رئیس جمهور که بیرون نام بود با مدت انولایت قایم مقامش در این وقت
 ختام پذیر شده در باب انتخاب رئیس و قایم مقام انالی و اعیان مجتمه یکی دینا دو فرقه شده فرقه موسیو
 فرمودند و فرقه دیگر موسیو بوقاین نام را رئیس خواسته مابین این دو فرقه جنبی مخالفت بطور رسیده با لآخر
 بوقاین را رئیس و برکنیزج نام را قایم مقام اول نصب و تعیین نموده در اوایل ماه مارچ فرنگی نامورشان
 گردید رئیس در بورا صلش از انالی انگلیس و پیش از این زراعت بوده و سببه ضرورت که در آن پنجاه سال قبل
 با اعیال خواری یکی دینا فرقه رئیس شارایه در ایام شباب در انجا تحصیل علوم و فنون متنبه نموده و وکیل
 گردیده و سببه قابلیت استحقاقش موخر از جانب جمهوره مجتمع داخل اعضای بعضی مجالس گردیده است و متسال
 قبل ازین بسفارت دولت روس نامور و مابین دولتین دوستیه و مجتمه یکی دینا معاهده تجاری مقرر نموده و
 معاودت برینکی دینا کرد و بعضی ناموریه عمده نیز که اقدام کرد و جنبی امر از لیاقت و صداقت نموده اما رکفایت
 بطور رسیده تا چند وقت پیش ازین بسفارت دولت انگلیس نامور و مدتی در لندن اجرائی ناموریت کرده و موخر
 از سفارت استعفا نموده برینکی دینا مراجعت کرد حال سن او از هشت و پنج سال تجاوز کرده بحسب کلمات
 اطمینت و استحقاق ریاست جمهوره را بهم رسانده است و همچنین قایم مقام او نیز سابقاً در یک محلی ازینکی
 وکیل و عوایوده و بدون اینکه نایب و مابین کسی بوده باشد بخورد در این وقت که شش منصب قایم مقامی رئیس جمهوره
 (دیگر نوشته اند که در عازم نشین رئیس فربور موش فراوان بود سببه دفع آنها سم القار بکار برده و شش
 مسموم کرده بودند بعد از سزایت مرک موش بوشها از شدت حرارت خود را با آب انباری که در آن عمارت
 ریخته آب انباری هم بوقت موشها زهر الود شده بود چون آب شرب بی رئیس فربور و سببه او هر کس که در آن
 بودند از آن آب بود همگی از آن آب خورده و مسموم شده بودند یکی از اهل آن عمارت فوت شده و علت مرگ
 سایرین مسموم گردیده اطباء آده آنها را معالجه نموده و از بلاکت رهایی داده اند) (از جانب دولت فرانسه
 ایچی چند وقت پیش ازین بکومت فوچین چین که در سمت جنوبی چین واقع است نامور شده بود شارایه
 ششیر که رسیده در انجا از قسم ششیر نوعی را که باقی مینمانند و از ده ششیر و سال قبل ازین ساریس
 بود چونکه ازین نوع ششیر کارهایی که از ششیر و کاکا و دیگر حیوانات خسته میشود برمی آید و کوشش هم ماکول خوب و ششیر
 بسیار نرم و کباب با فسن ششیر خوب می آید لهذا دولت فرانسه اقدام کرده است که این ششیر را بجا و روان

۲۱۸۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیستم شهریور سال المکرم مطابق سن ۱۲۷۳

در سیصد و سی و دو

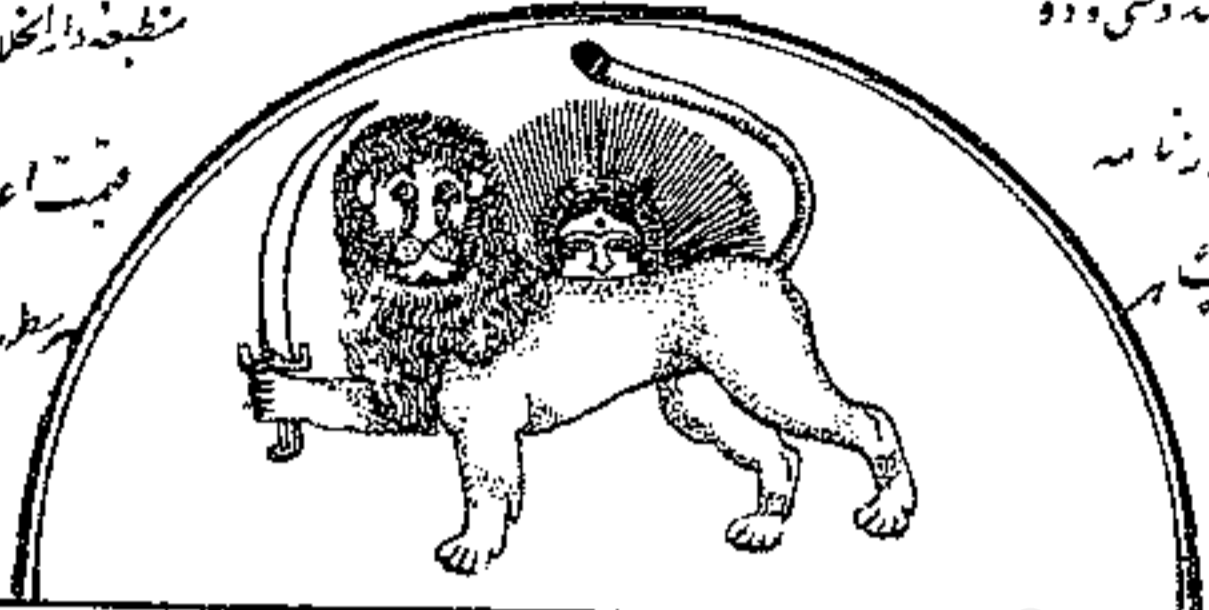
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شاهی

هر طرزه ده شاهی



اخبار و احداث مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون نواب مستطاب بزرگوار محترم و الایبار در شیرمیرزا در حکمرانی دارالخلافه و مضافات لواریم کفایت مردم داری را
 دو تقوی و خدمتگاری بر تقدیم رسانده اند و در غیاب محبت یون از دارالخلافه آلبا هر در حفظ و حرست ارک و عمارت و
 و صد و مخانی بار کمال مراقبت و اهتمام را بعمل آورده اند و مراتب حسن خدمت و صدق نیت و صفای طوبی نواب مستطاب
 حکامین مشهور و نظر اهدس کلایون و کثوف ای اولیای دولت روز افزون شده است لهذا با اقتضای رای محترم پیری در
 نام صدق و جام نواب معزی الیه بطراز لقب والای نسیس رکن الدولگی بزین و مطرز و قدر رفایشان بدو واسطه داده بر سابق برود
 گردید و فرمان های یون موضح بستند مبارک معراج کمال تقاضات خدیوانه شرف صد و یاقوت قامت عز و شرف نوابان
 بشریفین کیلوب جبهه ترمه و زره ننده پولک دور اعلی از طابلس خاص تن کلایون پیریه و زینت گرفت و محض تعظیم قدرین
 عظمی و بجیلان نواب لاجرب ار اولی دولت علیه از قاطبه اجله دربار کلایون از شاهزادگان عظام و امنای کرام و امری فخما
 و سایر چاکران محترم در بار شکست اسام و غیره بهایت باع اگر جناب مستطاب اشرف المجدار فرغ صد اعظم جو شده و جناب
 جلالت نظام الملک در آن مجلس حاضر گردید بعد از صرف شیرینی ادای رسم تهنیت بعمل آوردند و نواب معزی الیه از سلام بسلام من
 کلایون شرف اند و رکشته مور و حرم اهدس اعلی شدند (چون عالیجا بقدرت خان میرزا فتحعلی خان مستوفی دیوان اعلی کتب
 نجابت معروف و خودی نسیب و مضاف کفایت و لیاقت توصیف و انبند جو ای تاکنون چه و عهد شاهنشاهی در وجه و یرین دولت علیه
 مصدق شایسته شده و در هر امری که بعد از او محول گشته است صدقت و کفایت ظاهر شده است و شایسته او در چاکر اهدس کلایون
 روز اولیای دولت روز افزون نموده شود و چون نواب مستطاب از جانب کلایون شایسته خدیوانه که سلطانیه و جناب اولاد کلایون
 بقصد خیل صاحب دیوانی و عظمی خلعت مطلقه سرافراز شد و بر ایشان و نواری او افزوده گردید بعد ازین در قرابین و بر و ات دیوان
 جای هر مرحوم میرزا شفیع صاحب دیوان را مهر خواهد کرد

۲۱۸۳

چون نواب هزاره و امیر موبدالدوله حکمران فارس و عمده الامراء العظام مقرب انخافان مهر علیخان ع
 با سایر سردگان جنگی که موزده فارس از بد و امر تا وقتی که بخار تقار با بین دولتین ایران و انگلیس منع و عهد
 سلامت بسیار کی منعقد شد زیاد خدمت و جان نثاری کرده تقدیم خدمات بسیار نمودند و خدمت هر یک
 در پیشگاه اقدس بایون بسمت ظهور و شهود یافت لهذا از جانب سنی بجوانب بایون شاهنشاهی خلد المبرک
 در ازای خدمات آنها علاوه بر وجوه نقدی که برسم انعام حرکت بدین موجب نشان و خلعت نیز التفات و عنایت

نواب هزاره و امیر موبدالدوله حکمران فارس	مقرب انخافان مهر علیخان ع
کلیجه تن پوش مبارک	مقرب انخافان محمد علیخان بایلی
قطعه	نشان از مرتبه سیم پر جبهه زر
قطعه	مقرب انخافان لطفعلیخان سیر سپهر
قطعه	فوج خاصه
قطعه	نشان اول سیر سپهری جبهه زر
قطعه	نشان اول سیر سپهری جبهه زر

عالیجاه عبداللہ خان سرنگ فوج خاصه	میرزا علیخان دوله مقرب انخافان حاج میرزا علی
نشان اول سیر سپهری جبهه زر	نشان اول سیر سپهری جبهه زر
قطعه	قطعه
قطعه	قطعه

عالیجاه عبداللہ خان سرنگ فوج خاصه و سایر بزرگان و غیره را هم در حوز جلاوت و خدمت آنها نشان و انعام لایق
 بذول افتاد که تفصیل دادن در ضمن روزنامه باعث تطویل است (بنهی که در نسخه گذشته بخار
 یافته بود که مقرب انخافان میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان بعضی از سردگان سواره و پیاده را با
 تلبیه طایفه ضالہ ترکمانیه که بفرم تاحه خراسان آمدہ بودند کرده فتح نمایان و تلبیه معقولی از آن طایفه جعل آورد
 بودند از جانب سنی بجوانب بایون ایزین قرار خلاص و در حق چاکران و جان نثاران برحمت شد

مقرب انخافان قوام الدوله	مقرب انخافان ابو الفتح خان سیر سپهری	عالیجاه پرویزخان سیر سپهری سواره
نشان اول سیر سپهری جبهه زر	نشان اول سیر سپهری جبهه زر	نشان اول سیر سپهری جبهه زر
قطعه	قطعه	قطعه
عالیجاه لطفعلیخان سیر سپهری سواره	عالیجاه سلیمان خان حاکم رشید با سواره	عالیجاه ذوالفقارخان سیر سپهری سواره
نشان اول سیر سپهری جبهه زر	نشان اول سیر سپهری جبهه زر	نشان اول سیر سپهری جبهه زر
قطعه	قطعه	قطعه

عالیجاه محمد حسین خان هزاره
 جبهه زر
 علاوه بر اینها در حق سایر سردگان و خدمتگزاران از تبریزی و هزاره و سمرقانی که درین مقدمه خدمت

۲۱۸۴



کرده بود و مثال کرمانی و قبا و جنبه رزی و جنبه رنجیره دار ماهوت بعد خدمت گذاران نزد مقرب انجان
 قوام الله اول و وزیر مملکت حیران دستاره شد که با نهاد داده با تقاضای اولیای دولت علیه امتیاز یافت
 (عالیجاه حاج میرزا بیک آدم جناب اشرف المجدافع صدر اعظم فخر دایم بر حسب رجوع وزارت جناب صدرت
 عظمی خدمات دیوان اعلی مشغول است و از روی قاعده دانی و قاطبیتی که دارد بر خدمت را که با و محمول شود
 درستی و معقولیت با تمام و انجام میرساند و خاطر اولیای دولت علیه را باین واسطه از خود راضی و خوشنودید
 از خدمت عالیجاه مشارالیه یکی راه انداختن قورخانه های زیاده بخدمت ممالک محدود بود که در عرض
 قلیل زمانی موازی شست هزار بار قورخانه از دارالخلافه الباهره بخدمت مقرر روزه ساخت بطوری که
 بفر و اینداحت واحدی از آحاد مکاریمان را بمقام شکایت نیورده و وجه گریه را بابت ارزانه نسبت با و
 سابقه برای دولت علیه تمام کرد و ازین صداقت و کار دانی مصدر خدمت جداگانه گردیدند خدمان او
 در پیشگاه بایون درجه قبول یافته از جانب سنی بچونب اعلی با عطای صفت قناب طلعتی و شاهی که با
 افتخار و مزید قدر و اعتبار شایسته سر او آمد و بکلاه شال تره کشمیری از جامه خانه خاص در وجه
 عنایت گردید) فن طبابت هم در مملکت ایران شایع و کامل بوده الهجای حاوی علم و عمل در هر
 بلاد خاصه دارالخلافه العلیه مد او ای مرضی اشتغال داشته و دارند چون طرز طبابت فرنگی بواسطه بعضی
 و تصرفات تازه و اسباب و ادویه جدیده نسبت بقنون طبابت ایرانیه اسهل بود لهذا درین دو
 مدرج معمول گردید بعضی از امانی ایران در همان عادت بقه باقی مانده رجوع با طبابت مد او ای ایرانی بود
 و بعضی دیگر با طر معالجه فرنگی کم کم مانوس شدند اکنون هر دو طریق در ممالک محدود شده اول است اینکه
 ایرانی است معلوم است در هر طری مستند و از روی حدائق و بصیرت معالجه باقتضای طبایع و امراض
 و آب و هوای آن مملکت مشغول بیند و آنکه طبیب فرنگی است اگر چه علی العجله بخر عالیجاه مقرب انجان حکیم بولا
 حکیم باشی اعلیحضرت شاهی و عالیجاه حکیم شمر کسی که مخصوص خدمت دولت با حاضر نیست و لکن حکیم
 درین مدت که از فرنگستان بایران آمده حکم حکم آندس بایون در وقت اولیای دولت علیه و انما در در
 دارالفنون مشغول تدریس علم طب و تجلیت کرد ای این فن بوده است و باین واسطه جمعی که اولاد فرنگی
 ایرانی فی الجمله سرشته و وقوف داشته اند و عملاً ازین سیاق بی استحصار نبودند و بعضی از آنها از اولاد
 و ابا و اجدادشان طبیب بوده اند در فن طبابت فرنگی هم تربیت گشته اند که تصدیق خود مقرب انجان حکیم
 در قواعد طب فرنگستان بکمال مهارت و حدائق رسیده اند و باین احوال از فرنگی معلوم شود که
 از امانی ایران مایل و معاد بطور طبابت فرنگی هستند چنان تصور میکنند که اگر طبیب از خود امانی فرنگستان

۲۱۸۵

مملکت حاضر نباشد آنها در محاجات خود معطل خواهند بود و باین تصور و خیال که اتفاق می افتد که از اهل
ایران کسی با طبای فریور که سعی و استقامت دولت بعمل آمده و تربیت شده اند رجوع نماید و این معنی ^{دست} ^{است}
که هم این وقت اطباء از سوق بیفتند و سستی در خرج چندین دولت در حق آنها بی فایده بماند از آنجا که مقصود ^{صده}
دولت از همه این محتاج و زحمات این بود که این اشخاص بکار دولت و ملت برآیند لهذا اعلام میشود که عموم مردم
ایران که محتاج بطیب هستند اگر کسی هستند که عادت بطلب فرنگستان ندارند و مزاج ایشان عادت بقوانین
ایران دارد با طبای حاذق کامل ایران که در علم و عمل عالم و مجرب اند رجوع نمایند و اگر کسی هستند که
بمعالجه فرنگستان عادت نموده اند و بقوانین ایشان انس گرفته اند با طبای تربیت شده حاذق ^{در الفنون} مدینه
رجوع نمایند که در قوانین طب فرنگستان کامل و مجرب اند علاوه بر دانش طب فرنگستان مزاج اهل ایران
بصیرت و آموخته اند که هم خمت و خست دولت در تربیت و تکمیل ایشان بهدر نخواهد رفت و هم ^{مطلوبه}
تکمیل علم طب فرنگستان بعمل خواهد آمد علاوه بر اشخاص فریور همان دو نفر طبیب فنی که هم که مخصوص خدمت دولت
علیه ایران هستند بجهت محاجات مردم حاضرند هر کس خواسته باشد رجوع کند و بجان اینکه طبیب فنی حاضر
معطل نماید بجهت اطلاع عموم مردم مملکت نوشته شد (رساله درین فصل که آخر جز است از شدت کوه
هوا و کثرت ناخوشی نوبه مردم سیلا قات رفته بودند امسال بجهت هوای شهر در کمال اعتدال است چنانچه
مردم هیچوجه بیوزنجیال رقص نیایافته اند سهل است از اطفال و خانها بهتالی و روی باها ^{نوز}
احتیاج نباشد است که بروند اما لی و سکنه شهر در کمال انتظام و سلامتی و ارزانی و خردانی همه چیز به عا کونی
وجود فایض بحدود اسس هایون شاهنشاهی خداوند ملکه و سلطان اشتغال دارند و امور شهر و محلات بهرجهت
منظم است) (شخص طراری قاطری از جایگاه محمد رضا خان نخبی با اسم یک ملای قاینی گرفته سوار شد
از شهر فرار کرده بود مراتب باستحضار مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه رسیده فوراً چند نفر آدم
و ستاده آن شخص را گرفته با قاطر آوردند قاطر بصباحش تسلیم شد و آن شخص در حبس است تا بعد حکم آن
(دو سال قبل ازین باغبانی خانه خود را بد و نفر که یکی حاجی احمد نام مادرش یکی علی نام باکو چشم بودند با جاره داده و در کلبه
ان خانه نسیب خود را در آنجا کاشی خانه خود سری میکرد درین بین حاجی احمد را خود را یعنی نام سپرده بکاشان فیت خدی گشته بود
باغبان بخانه آمده دید علی نام و کو چشم حاجی احمد رفته اند و سبب او و منبت در شخص بود تا در این اوقات حاجی احمد از کاشان
راجت کرده جوای مادرش و صاحب خانه در شخصش بود که علی نام خون گرفته این بر قفایش زده از غیبت اظهار
اورا گرفت در مقام مواخذه و تحقیق برآمد معلوم که مادر حاجی احمد رفته و در کاشان خانه دفن کرده و سبب غیبت این برفت بوده
برود و عمره خود او را زوده نفس مقول را بیرون آورد و غایب است و در اورد و رفت خودش بکشم مطاع بدست و زده مقول داده

۲۱۸۶

اخبار دول خارجی

سابقه کوشش کردن در سواحل هند از جانب دولت فرانسه که کشتی بخار با چند نفر آدم فرستاده بودند چون لغت که بجهت بدست دریاها کشیده بودند و در کشتی مزبور همراه داشتند که کشتی را از روی آن نقشه حرکت غلط بود و ماه قبل ازین کشتی مزبور در جزیره میلین نام که در سمت جنوبی هند واقع است بسنگ خورده و سگت شده و امانی آن کشتی همگی با بعضی اشیاء و اوقات بقری بسا در آمده اند ولی در جزیره مزبور اثر آبادی از ایشان و چون مطلقا نبوده است امانی کشتی از حیثات خود نوسید کرده در حالت مایوسی از چوهای کشتی مزبور و قطعه قایق کوبه ساخته و بیت و شت فریاد و وکیل در آنها نشسته است تا زنده روزی از جزیره مزبور مملکت بطاویه بجهت حال نمودن روانه شده اند و بواسطه سعادت کرده سالها با نجا رسیده و گذارش را بیان کرده اند در حال دو قطه کشتی بخار انگلیس و یک قطه کشتی هلندیک بان جزیره رفته و آنها را از آنجا بیرون آورده سلامت بیابان فرستاده اند) (در سمت شمالی مملکت فرانسه در سواحل نورماندی در زیر دریا تیر کب جنگل جالی پیدا شد بجهت تحقیق آن که چه بوده است از دولت فرانسه کشتی بخار مخصوصی فرستاده شده بود از فرار خبری که این اوقات رسیده است کشتی مزبور با نجا رفته و تفتیش نموده جنگل مزبور شش ساعت طول و دو ساعت عرض وارد و در آن اوجیبی چوهای جنگلی و بعضی آثار قدیم مشاهده و شهر بودن آنجا در ایام قدیم معلوم گردیده است) (ارسی که در هر ولایت بعلم می آید از برگ توت است که گرم پید از خورده و ابریشم از او حاصل میشود در لندن از اصحاب هنر و درایت شخصی استنباط کرده است که اصل توت یا ابریشم از همان برگ توت است و میتوان بدون کرم پید ابریشم بعلم آورد و اینمحل را اعلان کرده در شامی بهر طور بوده است برگ توت را نوعی تربیت کرده ابریشم از او حاصل نموده و اثبات مدقای خود را کرده است ولی ابریشم خوب و قابل نشاء است نوشته اند که اگر ازین بجن تدبیری چاره آنرا هم بکنند که ابریشم بان خوبی که از کرم پید بعلم می آید حاصل شود شایسته ای را در عالم بقای بکنامی کرده خواهد بود) (دیگر نوشته اند که در شامی محاسن بق طونه شت قطه کشتی از بخار در مختلفه از قاص حرکت کرده بودند کشتیهای جنگلی انگلیس همه را گرفته ضبط نموده و فروخته و جوه حاصله اورا بقصون سحری تقسیم کرده بودند در این اوقات صاحبان کشتی بلندن رفته و ادقای کشتیها و اموال خود را کرده اند از جانب دولت انگلیس جواب داده شده بود که در بین جنگ عساکر دشمن در هر ولایتی که باشد اولایت سبط ولایت دشمن دیده می شود و در آن اوقات قشون روسیه در آنجا اقامت داشتند و کشتیهای مزبور از قاص حرکت کرده بودند بان چه تکلیف دولت انگلیس بود که هر کشتی در آنجا بپسند که محل آذوقه و شیا کرده اند ضبط و تصاحب صاحبان و عادی مذکور داشته اند که اقامت قشون روس در آنجا بطریق رض بود و امانی آن دو مملکت سحری

۲۱۸۷

از حمایت دولت عثمانیه بیرون بودند بعد از ثبوت این مرحله از دولت انگلیس حکم شده است که دو کشتیهای فرانسوی
 که فروخته اند به جانبان کشتیها را در نمایند (از فرار روزنامه انگلیس میس و قومپا به کشتیهای بخارا و این
 جدید سجد دولت روس که در روزنامه واکه استعمال کنند در انگلستان ساخته اند و یکی از آن کشتیها تمام
 و باو دست رسیده است و کشتیهای فرانسوی از دولت خریدار تا هزار و صد و هشتاد و هفت می شود) (عبارت بلور
 لندن که بر سال در بهار کشته می شود و اجناس نفایس و امتعه از هر جای روی زمین بجهت تمامش داد و ستد در
 اینجا گذشته میشود در این سال نیز گذشته شده و در روز اول تقریباً هفتاد هزار نفر ذکر خوانا نام جمع شده بود
 (از فرار روزنامه های انگلیس ثبت اموات شهر لندن در عرض سیزده هفته ثبت و شست هزار و شصت و پنجاه نفر
 شده است موافق جمعیت شهر لندن که تقریباً ششصد و پنجاه روزی از هر هزار نفر و نفر مرده اند و اوله علیه این
 زیاد تر است) (تقریباً که در روزنامه جدید از حوادث نوشته اند در این اوقات در مارسیلیا شخصی صالح
 شبیه پول کاغذی دولت عثمانیه بعضی اوراق ساخته زده کیفیت سبک و متعجبانه معلوم شده فی الحال سایر
 دستگیر کرده با اوراقی که زده بود جلب و تقطیر کردیده این فقره تنها اختراع مشارالیه بوده و نفر
 در اسلامبول به حقیقت درین کار داشته اند مشارالیه را بجهت اجرای سیاست لایق محبس فرستاده اند و شنبه
 دولت عثمانیه نیز خبر و اوراق فرورداده شده و از جانب شه بندر مدبر سعادت خاسته است) (خبر
 در ولایت انگلیس و ناپولی فرار است چند وقت پیش ازین دولت فرانسه نیز قاتل و میکونه اصحاب خاست
 عظیم را از درون محکمت اخراج کرده بعنوان جنس مؤبد بنگلی قاتل نام که در سمت جنوبی یکی دنیا واقع است
 و اجلا بگردن چون محل فرورد همیش بسیار و خیم و بدست اشخاص مرقوم را که با بنجا فرستاده اند بسیاری
 چندین عارض میوند و دچار اضطراب میگردند اینها را منظور کرده اند که بجای دیگر که مناسب با بعد ازین رو
 نمایند و باین خصوص مخصوصاً یک قوم سیون تشکیل داده اند بعد ازین اینگونه ارباب حجیم و قباح را در یکی
 از جزایر هند که در سمت شمال استرالیا و موسوم بقایید و نیاست فرار کرده است که ارسال نمایند
 در روزنامه های سابق نوشته بود که جناب غانم و ق قطنین برادر علی حضرت امیر بطور و سستی بجهت دیدن
 والده اش بهرینس که در ملک ساریه است غنیمت کرده و از آنجا باز و خود از راه پاریس اراده داشت که
 بفرانک برود و موجب اجباری که این اوقات رسیده است بجهت غنیمت مشارالیه از سمت پاریس از جانب
 دولت فرانسه امرال حالین نام که در محاصره اول سیمپول امور بود بمانداری معین شده است) (بعد ازین کشتیهای
 بخارا رسیده که بجهت تعمیر با کس فرانسویان و بجهت مسافرتی رنجته که خانه در آن حال از جانب دولت روسیه چند نفر خدمت فرستاده
 شده و از جانب دولت فرانسه نیز درین باب اظهار موافقت کرده اند است

۲۱۸۸

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیست و نهم شهریور سال المکرم ۱۲۷۳ مطابق سال سلیمان ۱۳۰۳

مره سیصد و سی و سه

منطبعه دارالخلافه طهران



قیمت روزنامه

پنجاه شمشیر

قیمت اعلانات

بر هر خط در هر روز

اجتبار و اخذ ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون نواب نصره الدوله حکمران بنی آذربایجان بر حسب امر اقدس هیاتون احضار و مدبر بار معتمدتاریه
 کردید بجهت حکمرانی آن مملکت که از منقطات ممالک محروسه ایران است و وجود یکی از اجده شاهزادگان لازم
 بود کار بود لهذا نواب مستطاب شاهزاده والا تبار رکن الدوله العلیه العالیه که اوصاف کرامت و خود
 و شرافت ذات کفایت نمودن مستغنی از تعریف و بیان است بموجب فرمان مدبر لسان مبارک که موجب
 بدستگاه هیاتون بمقام منشی و جایگاه رفیع حکمرانی مملکت آذربایجان از عیال عظمیه عظمی و موثبت کبری
 مخصوص و سرفراز شده و یکموجب کلچر شمس دار مرصع بالباس از مجلس خاص مدبر مبارک برسم
 در حق ایشان رحمت و عنایت گردید و این روزها از دربار هیاتون بمقر حکومت روانه خواهند
 (چون نواب سید الله میرزا تا کنون بهر خدمت و حکومتی که از جانب سنی لاجواب ملوکانه مأمور گردید
 آثار کفایت و حسن سلوک و رعیت داری خود را ظاهر و خاطر اقدس هیاتون شاهنشاهی و اولیای دولت
 علیه را از صدق عقیدت و حسن خدمتگذاری خود سرور و خرسند داشته است لهذا در این اوقات
 بموجب فرمان مدبر لسان مبارک بحکومت تربت حیدریه سرفراز و یکموجب جنبه ترمه اعلی از جمله خانه
 برسم خلعت حکومت در حق نواب معزی الیه رحمت شده این روزها بمقر مأموریت روانه میشوند) (چون
 اجازت وقوع مصاحبه دولتمن ایران و انگلیس وجود شخصی کافی بحکومت بندر ابوشهر لازم بود لهذا اعانتی
 سربانخاقان احمد خان نوائی نایب لشکر آقاسی باشی در بار هیاتون که بکفایت و کار دانی و معقولیت مأموریت
 و از قدیمی خدمتگذاران دولت قوی گنت عدالت و در هر نوع مأموریت آثار کفایت و شایستگی او مشهور
 خاطر اقدس ملوکانه و ملحوظ اولیای دولت علیه گردید است لهذا در این اوقات بموجب فرمان قدر

۲۱۸۹

تایون بحکومت بندر ابوشهر سرافراز و کثرت جنبه زراعی برسم مملکت حکومت در حق مقرب انخافان شایسته
 رحمت گردیده این روز با تجل حکومت روانه خواهد بود (چون قدیمی فدوی دولت ابدان مومن استظان بر آن
 وزیر نظام که از جانب استی ایجاب تایون شایسته پیشکاری کل آذربایجان مأمور گردید پس از ورود با محاکم
 امر ولایت و رفاه سالیس عیبت و قیام سرار و فتنه بن آذربایجان آثار کفایت کاروانی او مشهود خاطر احد شایسته
 و ملحوظ اولیای دولت علیه گردید و جهت تسخیر غله در آذربایجان که مردم گرفتار عسرت و پریشانی بودند درین باب استقامت
 نمود و از خسته و بی حال غله با نولات حمل و نقل کرده عسرت و غلای آنولایت را تبدیل برخص و ارزانی نموده جنود
 حصول و حا کونی دات انیس ملوکانه گردید لهذا درین اوقات از جانب استی ایجاب قدس تایون کیش کلبه از
 ملبوسات خاصین مبارک باد رحمت و انعام گردیدیم (عزیزخان سردار بقی که از فضیلت و مرام اعلی حضرت
 خلد الله ملکه در خدمات عسکریه با علی در جرت رفی کرده بود چون قدیمت از دست و این عسرت را که با و از انی شده بود
 سهل و آسان شده و از راه عدم تکلیف چنان تصور نمود که بفرستد شریف این نعمت از قامت جدا و او قاصرت و بر آن
 برتر از اینها را دارد و غله را در انجام خدمت محوله بجز دلوازم اتهام را بعل بنیاورد در کلیات امور حال و غفالت کرده و خیرین
 با بی مبالایی گذرانید و بلکه دواعی لغت نی و تسویط شیطانی گاهی در از راه عدم قناعت مقام و حد خود بران و او است
 که شاید بجوی از انحاء اگر چه خود چنانست دولتی هم باشد مقصد خود حاصل نماید اولیای دولت علیه آنچه لازمند پسند و
 بود با کفایت و آنچه پرده پوشی بود در امر و عمل او گردید و محض اینکه پرورده نعمت دولت بجای از پادشاهی مدنی با او طریق
 مدارا و زبیده اند و با حال و انظار گذرانیدند که شاید پسندی گیرد و چنانشن اصلاحی پذیرد و بسوجه در وی مؤثر و مفید بنماید
 منتهی نگردد و سرکار اعلی حضرت تایون شهریاری هم چندین مرتب قیام اعمال و فضایح افعال او معروض و معلوم
 گردیده بود از آنجا که علی الظاهر در خدمت بسیر میرد از راه رحمت باز در حق او بذل القاب میکردید و انعام از معایب
 میشد بلاخره نسبت اعمال او با بنهار رسیده و خطباتش از اندازه تجاوز نمود و در رفقه عمل قشون که از جمله
 عوام خیره دولت و بلکه موقوف علیه بر امور ملک و ملت است نزدیک شد بجایی برسد که انتظام این و تلافی
 بی نظمیهای گذشته از حوصله طاقت خارج باشد با در قانون دولت داری فرض و واجب افتاد که میسر ازین تغافل
 تا نقل تدارک در این امر خیره زود بتاسخ یوم شنبه بیستم شهر شوال المکرم دستخط تایون شرف صدور یافته
 یوم یکشنبه بیست و یکم حسب الامر اولیای دولت علیه جمعی از شاهزادگان عظام و رؤسای بزرگان در بار پادشاهی
 و صاحب منصبان نظام در عمارت باغ جناب شرف ارفع قلم صد عظیم جمع گشته و جناب معظم الیه نیز همان مجلس
 تشرف آورده متب انخافان حاجی علیخان حاجب الدوله و اولاد فانی شایسته که از سرکار اقدس تایون ظل اللهی صادر
 بود تبلیغ کرده بعد دستخط مبارک که در غزل عزیزخان باقی جناب شرف ارفع قلم باین مضمون فرستاده بود و در آن

۲۱۹۰

سواد دستخط های یون جناب صدر اعظم چون ما انتظام امورات ایران را نکته بشما محول و

موکول فرموده ایم و نظم و عدم نظم را از شما میدانیم خاصه امور قشون و قورخانه و جبهه خانه و مدرسه نظام و غیره
که از اعظم امورات است باید روز بروز مساعدت بر رونق و نظم و شکوه آن بنمایید خاطر ما ازین جهت کمال
دراخت و آسودگی رادار است باشد لهذا از تاریخ امروز که روز شنبه بیستم شهر شوال المکرم بیان شد ۱۲۷۳
نظم جمیع امورات عسکریه و غیر عسکریه را عموماً از خود شما میخواهیم و شما هم آتی نباید غفلت داشتید چنانچه
سردار سابق که موافق کنایه معترض شد در دست از عهد مشق و نظم و بر امور قشون بر نیاید لهذا بموجب دستخط
اورا از سرداری سپاه و بر مناصب مثل وزارت میر نظام و غیره اخراج فرمودیم البته هر کس را بجای او شما
باید معترض خویشم فرموده عزیز خان چندی رفته سرکشی بخانه و باز آمدن خود نماید ۱۲۷۳

و تمامی حضرات از احکام و اوامر علیّه شاهانه که در ضمن دستخط های یون مقرر آمده بود مطلع گردیدند پس از آن جناب
اشرف ارفع مختم صدر اعظم اهل مجلس و خود عزیز خان را مخاطب فرموده شرحی و تفصیلی از الفتاهای سرکار اقدس
هایون شهبازی که در باره عزیز خان شده بود و از نخبتهای شخصی که خود جناب معظّم الیه در حق او کرده بودند
و از بی مبالیها و عدم اهتمام در خدمات محوله که از او بطور رسیده بود با توجه قطعیه بیان و تقریر کردید

تمامی حضرات تصدیق کرده و خود عزیز خان اعتراف بر همین نمود باز جناب معظّم الیه از راه رافت و حرمت طوکار
از ازیّت جانی و ضرر مالی الطینان داده بلکه ضمانت نمودند که از همه جهت خاطر جسیع باشد بموجب دستخط های یون که از
منصب معزول است محاسب دیوانی که دارد بپردازد تا حکم مجده در باب مسکن و معاش و بقای اهلیت و آسایش و آرام
لازمه و شرف صدر و باریه عزیز خان پس از آنکه از حکم محکم سرکار اقدس هایون مطلع گشتند نشان و حامل شیشه که
علامت منصب او بود خود باز کرده و در آورده تسلیم مقرّب انخافان حاجب اندوله نمود بعد از این جناب معظّم

عزیز خان را مرخص فرموده که بخانه خودش رود و آسوده باشد کنایه قبایح و خطینات عزیز خان که نوشته
شده بود و خود تمام آنها اعتراف داشت اگر چه جناب جلالت اب اشرف ارفع مختم صدر اعظم میخواسته که
گوشته عائد ناس شود بلکه میخواسته پرده پوشی نماید اما از حضرت مجلس اسحاق کردند که در مجلس خوانده شود اجازه
فرمودند که کتابچه مزبور که مشتمل بر چهل و چهار فقره تقصیر بود خوانده شود بعد از آنکه خوانده شد همه اهل مجلس البصیرت
و عبرت و حیرت حاصل گردید و امید واری از مرجم سرکار اقدس هایون حاصل نمودند که نا آن همه جرم و

تقصیرات کفایت نماید لفضل و کرم با عزیز خان کردند باینجه بموجب دستخط های یون که عزیز خان از منصب و شغل معزول بود
جناب اشرف ارفع مختم را چنانچه سرکار اقدس هایون بموجب دستخط های متعدد بقیه بالقرآن در امورات کلی و ولای
فختر کرده و کلیات امور بقعه جناب معظّم الیه محول فرموده بودند بموجب این دستخط جدید امورات قشونی را متفرّد

۲۱۹۱

منفوخ کفالت و کفایت ایشان فرمودند که من جمیع ایجات در امر لشکر و کشور معتقد و مختار بوده و هرگز صلاح
 مصلحتی در انتظام و انضباط امورات و اندوختن حضور با بر النور اقدس اعلی رسانیده بموجب شاهزاده علی حسروا
 محجری دارند (چون مقترب الخاقان حاجی علیخان صاحب الدوله در لوازم جهان نشاری و ذقایی داد
 خدمتگداری سواره خاطر اقدس هاپون شایسته و اولیای دولت بخدمت را بصدق طوبی و حسن
 خدمت داشته و در تقدیم خدمت موجوده آثار کفایت ظاهر ساخته است نظر بطور جسم ملکانه در حق مقترب الخاقان
 شارالیه در روز عید قطر کیشوب کلچر زمه بلوس تن مبارک را بر رسم خلعت باه حجت فرمودند) (نظر
 شجرتی و صفای باغ فردوس خاطر اقدس هاپون حسروانی مایل تفریح اینجا گردیده در روز سه شنبه شانزدهم
 شریف فرمای باغ مزبور گردیدند فوج اردبیل و مشکین جمعی مقترب الخاقان حسنی خان سرتیپ نظر اقدس ملکانه
 رسیده اراستکی و انتظام آنها حسن و مقبول افتاده و ایتمات عالیجاها شارالیه را در نظیر آنها تحسین و اور
 مورد التفات فرمودند و حسب الامرافواج مفصله و سواره که قدم رکاب بودند در خارج و دروازه کلا حاضر
 شدند

افواج

فوج اردبیل و مشکین جمعی	فوج کلچر جمعی عالیجاها	فوج فرود کوی جمعی عالیجاها	فوج دما و جمعی مقترب الخاقان
سرتیپ	سرتیپ	سرتیپ	ابوالقاسم خان سرتیپ
فوج سوادکوه جمعی عالیجاها میرزا	فوج طنجان جمعی عالیجاها	فوج قدسک جمعی عالیجاها	
کریم خان	سرتیپ	میرعلینقی خان سرتیپ	

سواره

سواره چهارمین فوج جمعی عالیجاها رضا علیخان سواره ششمون اردبیل جمعی عالیجاها محمد علیخان
 و از سان حضور مبارک گذشته هر یک از صاحب منصبان مورد التفات گردیده موکب هاپون شریف فرمای
 فردوس شدند (در روز ۱۷ شهریور خاطر اقدس هاپون شایسته مایل نشای آب در روز نهم
 شریف فرمای اینجا گردیدند جناب اشرف امجد رفیع صدر اعظم فخرم در موکب هاپون بودند چون راه
 قدری صعوبت داشت قبل از وقت مقترب الخاقان حاجی علیخان صاحب الدوله حسب الامر غلام مستاده را
 تطبیح نموده لایق ارک بنهار و عصرانه برای حضور هاپون و خاندان حرم و مجلس جناب اشرف امجد رفیع
 اعظم و سایر طرین رکاب از امر او خوانین و احوال و ناس حاضر ساخته و چادر را بر سر طرین رکاب
 فراهم آورده با وجود تشکی مکان خیلی خوب از عهد عتیق طرین رکاب برآمده حدانس حسن
 خاطر اقدس هاپون مقترب الخاقان شارالیه را مورد التفات فرموده بعد از صرف بنهار و عصرانه حاجت فرمودند

سایر ولایات

۲۱۹۲

۵

گیلان از فرار یک در روز نامه گیلان نوشته اند امور آن ولایت را حسن مراقبت و کفایت رعیت
 داری مقرب انخاقان میرالامرا العظام عبد الملک حکمران آن ولایت قرین نظام است بعد از انقضای ایام
 ماه مبارک صیام که خدا یمان و دار و فقه و غیره را خویشه در نظم شهر و محلات قدغن اکید نموده است که شایسته
 مواظبت با سارق و ربا خور و قمار باز و اینگونه اشخاص را بگیرند و محصور بیاورند که در آخر جرم جنایت رسیده
 شوند و خود ایام هفت راسوای دور و زخمه و دوشنبه که تعطیل است یرو روزنا صبح الی دو وقت از ظهر که
 در دیوانخانه نشسته بعضی داد مردم و نظم امور ولایتی و انجام خدمات دیوانی رسیدگی کامل مینمایند و از
 اهالی و ادانی هر کس عرض مطلبی داشته باشد بدون ترس و حاجت در بان آمدن مطلب خود را با شافیه
 عرض نموده و بر وفق عدالت حساب کار و فیصل می یابد و عسوم مالی آن ولایت ازین بکدر کمال رضامندی و شکر
 گذاری دارند و باب تعیرات اجناس ماکولات چون این اوقات قدری ترقی نموده است نهایت نظام
 و مراقبت را در زرانی و ذراوانی آنها دارد و چند نفر از کسبه از قبیل قصاب و غیره که معلوم شد سبب گران
 ماکولات بوده اند تنبیه و تادیب کرده قدغن نمود برنج که قوت غالب این ولایت است بخارج و خسته
 و امتیازت که سبب اتهامات و انی مقرب انخاقان مشارالیه نزع اجناس تنزل نماید و فوراً بر سر سانه
 و تعیر اجناس آنجا در این اوقات از اینقرار است که بوزن که در دمن تبریز باشد داد دستدیشو نان یکم هزار
 برنج یک من هفت عباتی روغن یک من شش هزار کوشک یک من سه هزار ذغال یکم و در با نروده هزار دنیا
 ملک یک من هزار دنیا جو یک من هزار دنیا و سایر اجناس نیز ازین قرار است میرزا از فرار یک در روز نامه
 بزرگ نوشته اند مقرب انخاقان بقیه الامرا العظام محمد یوسف خان حاکم بزرگ عالیجاه مقرب انخاقان میرزا سعید
 مستوفی و وزیر آن ولایت که از دریا به عدلت مدار روانه شدند در نهم ماه مبارک وارد بزرگ شده اند
 آنجا لوازم استقبال را بعل آورده بعضی تکلفات فرمائی و غیره خویشه بود مذاقه ام نمایند مانع آنها شده
 بواجف اولیای دولت علیه امتیاز کرده و بعد از ورود با بنجان نظام کامل در امر شهر و محلات داده بعضی از
 اجناس و ماکولات که بی جهت گران شده بود رسیدگی کرده و ارزان نموده و جنستی قیمتی معین کرده
 و قدغن نموده اند که اگر پیاپی از آن قیمت لغو و سبب مورد مواخذه و تریجان باشند مالی آن ولایت
 در کمال سودگی بدعا کونی ذات اقدس سنها یون شایسته ای استقبال دارند و نیز در امور زراعت قرار و
 بلوکات رسیدگی کرده در بعضی جاها که از ترک تحصیل و غیره ضرر رسیده بود تدارک ضرر آنها را از خود
 نموده رعایا در کمال امید داری با رعیت خویش مشغول اند از فرار یک نوشته اند مگر کی در آن ولایت آمد بر دانه بعد
 بیضه مرغ و ببرد رختی این مگر که خبر رسیده است

۲۱۹۳

اخبار دول خارجی

چند تن پیش ازین در پاریس بجهت توبه مصارف محاربات بقدر آنکه وصل و فصل بعضی دعاوی که
رسیده یک فوسون عقد و شکن نامه بود در این اوقات تجل شده متعارف قطع و فصل دعاوی و
رشوت گرفتن بعضی نامورین معلوم گردید و سواى اخذ رشوت حبس و چوه و بوان کردن آنها وارد آمد
در ضمن اجرای سیاسات لاقه فی الحال اشخاص مرقومه را بجهت فرستادنند (سابقاً در روزنامهها
نوشته شده بود که امانی چن نظر اجابت و عرضی که با فرنگها دارند هر کس از انگلیسها که بدستان می
قتل میگردند و دولت نواز اهل چین هم بصورت فرستادگی کشتی فرستاده که در سمت چین بودند در
میان دریای کتان دمانی کشتی را قتل و کشتی را غرق کرده بودند بوجوب اجباری که بعد رسیدن از این چین
یک کشتی یکی دینا نشسته در میان دریای آنجا اهل یکی دینا در آن کشتی بودند که کشتی این مقدمه که کشتی
یکی دینا رسید بفرود دولت انگلیس مقیم یکی دینا بجهت مزبور عرض و بیان حال نموده بود که چند قطعه کشتی چکی با
قشون بچنگ چین روانه نمایند (سخته منازعه مابین دولت انگلیس و چین از برای ربط دادن سخن صورت
از جانب دولت انگلیس سابقاً قشون دولت انگلیس مقیم بغداد و سفارت مخصوصه چین مقیم شده بود ولی کشتی
چون روز بروز اشتداد یافت لهذا لازم آمد که از اصحاب رتبت بیان سفارت نامور شود در این اوقات سفارت
بغیر جناب لورد الکلین محول شده مشارالیه بکار انگلیس که در چین مستقر فرماندان چین شده و از صاحب
جنرال اشیر بنام نام که رتبه امیر تومانی دارد با اتفاق مشارالیه از راه مصر غربت بسمت چین کرده اند (کشتیها
انگلیس در پیکاه کانتان چین مستند از جانب دولت انگلیس قرار داده شده است که کشتی و کشتی
در آنجا باشد باین جهت کشتیهای چکی انگلیس که در سطر بصره هستند با چند قطعه کشتی دیگر که از لندن حرکت کرده اند
بسمت چین روانه اند و امر فرماندانی این کشتیها بعد از امرال سیمور محول شده است) (از جانب دولت
روس سفرانی که در دول محتومه هستند به برای سفرای مزبور بجهت کسب اطلاع از اصول دولیه و اطمینان و تحصیل
مفوضه نیز در یک از این سفر ابلما موریت دوازده نفر از دولت روس نامور شده اند) (سابقاً در همین حال
یونان بیاویز را بدین قرال آنجا که برادر مشارالیه است نوشته شده بود و همین قرال با وید را نیز از راه
ناپولی به آتن پای تخت یونان بیازده مضمم شده بود بوجوب اجباری که این اوقات رسیده است حکران
با وید را در نهم شعبان بشهر ناپولی وارد شده و چندی در آن حوالی کشت و سیاحت کرده بعد از آن غربت
خود را بسمت یونان اعلام کرده است) (دیگر نوشته اند که قرال با وید را بعد از چندی قامت در آتن متوجه آتن
پاریس و در سخته اقامت او در پاریس از جانب دولت فرانسه محلی مناسب معین شده است)

۲۱۹۴

در این اوقات تسبیح و خرج مالیات دولت استبره را حساب کرده اند صد هزار فورین که چهل کروبی حساب
 پول ایران باشد مصارف زیاد تر از مالیات آمده است (درین لجه ظهور قحط و غلادری بسیار بود که
 بودن آذوقه در اکثر محال فرنگستان با بیچاره بابت تجارت و احتکار ذخایر خود را بابت کران فروختن جمع کرده
 کرده بودند و ذخایری که انبار کرده بودند کفایت کمال کل فرنگستان را میکرد چون وقت رسیدن محصول نازمان
 و اسال هم محصول خیلی خوب آمده است باین جهت ذخایر انبارداران بخلاف آنچه خودشان خیلی متراک کرده است
 یعنی در هر صد سی متراک نوده و باین حساب بقدر صد و پنجاه ملیان فرانکه که تخمینا سی کرو پول این ولایت باشد
 صزر کرده اند و بوجوب اجتماری که این اوقات رسیده است از ارباب ثروت و اقدار چند نفر با جرایز
 افلاس کرده اند) (دو سال قبل ازین راه آهنی که از مصر باسکندریه ساخته شده بود در اول سپتامبر
 تومان حاصل اجرت آن شده و در سال دویم چهار صد هزار تومان رسیده است و زهی دیگر از مصر سیوسین
 خیلی از راه ترابور ساخته شده و باقی نیز تا فرنگستان آینه با تمام خواهد رسید) (کشتی بخاری پوسته که از
 طرابلس با سلاسل می آمد در آسای راه بقدر شصت میل مسافت یکی از کشتیهای عثمانیه که کج بار داشته است
 لمحوط کپشان کشتی پوسته شده بود که بعضی علامات غرق شدن از او معلوم میشد کشتی خود را با پنجا رانده وقتی رسید
 بود که آب زیاد میگذر فکشتی را گرفته و امانی کشتی از زندگی باپوس و مشرف بغرق شدن بود که کپتان فرج پور
 کل المالی آن کشتی را کشتی خود را آورد و سالها بیوک دره اسپاسبول ساخته بود) (بعد از مصاحبه عمومی
 هایش و امنیتی که در فرنگستان حاصل شد در هر محل فرنگستان عا که موجوده را کم کردند حتی در فرنگستان سال گذشت
 صد هزار کس از سگس که کرایه اخراج کردند در این اوقات نیز در فرنگستان از هر خوجی صد فقره تا مدتی معین مخص کرده
 و قرار شده است که ازین اشخاص هر کس بخواهد در امر زراعت اقدام نماید با اجرت کافی در امر زراعت آنها را
 و اوارد) (در روزهای سابق نوشته شده بود که جمهوری مکسیفا که کشته از بعضی محاسبات سابق قرض
 جمهوری یونانی دنیا هستند لهذا یک ابالتی از مکسیفا را که در جوار سیکی دنیا بود بیست و شش ملیان لیر که بجا
 از صد و چهار کرو پول ایران است جمهوری یونانی دنیا فروخته بودند چون بازم ادای قروض آنها تمام نشده
 بود در این اوقات یک ابالت دیگر را باز به ملیان لیر که دو ازرده کرده چیزی بیشتر باشد فروخته اند چون
 یک دولتی ابالات متصرف خود را باین طور متوالی بفروشد دیده نشد است لهذا دولت انگلیس هم طلبی که از
 مکسیفا دارد در این اوقات مطالبه مینماید) (تجار دولت پورتو قال که بچین آمد و شد میکردند از جانب دولت چنان
 اظهار روی تجارت با آنها شد و اکنون دولت پورتو قال مقدر مقام نبود در این اوقات که دولت انگلیس بچین جنگ در آنجا
 دولت پورتو قال نیز چنانچه قطعه کشتی جنگی با مقداری قشون با بجا فرستاده است که با اتفاق قشون انگلیس دولت چین جنگ نماید

۲۱۹۵

بنام سید دهم شباط گذشته وزیر اعظم خاقان چین شرحی که بقایم مقام کانتان نوشته و در روزنامه های
لندن ترجمه شده نوشته اند از اینها است ای قایم مقام کانتان و حشیه های انگلیس که بمالک زیر حکومت
تو هجوم آورده و از طرف تو نیز بجهت ما ذیبت و تربیت آنها حرکات شجاعانه بطور رسیده بود تقصیر آن
موجب یک قطعه تحریرات در مجلس عمومی کجان کجان مطالعه و در هر حرف آن سوا سوا تاق و در خط
شده حزن و المی که از مال آن مستفاد شد سبب تا سفت ابل مجلس گردیده و ازین کیفیت متاثره خاقان
ما شسته ما بزرگ حضرت خاقان بعرض بیان حال مبادرت ای قایم مقام کانتان بعد ازین مقصود
دفع وجود جنایت او در این وحشیه اسباب لازمه مقابله و مقابله شدت اجرا میشود اگر اینها از معاطله
که در حقشان اجری میشود قلمبه شده مؤخر آنجا بجنب حکومت دخالت و استیجاب نماید این قباحت آنها
مخفوشه و بر تبه امکان بجهت دفع ضرورتشان در بعضی مالک ما با اجرای تجارت آنها باید حدت
(در روزنامه های سابق نوشته شده بود که در لندن اصحاب فقر و ضرورت زیادند و اغلب آنها از راه
البحار و اضطرار طریق سرقه اختیار کرده این عمل با سرتحت دائمی ملی لندن خلل میرساند بجهت رفع و دفع این
مقدّمه چند وقت پیش ازین مجلس مرکب از اهل ثروت و اقدار منعقد شده این اشخاص را دعوت کردند و اعلام
نمودند که این اشخاص اگر مجلس نرود بیایند در حق آنها بچگونه اذیت و آزار می خواهد آمد و روزی که دعوت
بودند جمعی کثیر از وزدان در آن مجلس حاضر شدند و از جانب اعضای مجلس نصیحت مشفقانه و کلمات موعظه با
الفاظ بسیار مضمون که راهی که شاپس گرفته اید عاقبت خیم دارد و اگر حالا با احتیاج خود را رضی بر فتن نکلت
که دزد و مقصر را با بنجامین مستند بوی ترفی احوال شما بر تبه امکان ازین مجلس غایت خواهد شد و زدان مدالی
تامل کیفیت خود است و متفرق شدند در این اوقات زیاده و نقص و زدان مزبور آمده جو اس سید
بستریا شده اند و از جانب مجلس موعظه نمودند و کذران کافی با نهاداده شده و کشتی بخارشان نشانیست
روان کرده اند) (در اکثر محال عربستان خصوصاً در قطعه افریقا بجهت نبودن آب در صحاری و طرق مسافرتین یاده و جان
واضطراری شوند راه سودان نیز که در سمت جنوبی جزایر واقع است اینطور بود و از نویس بی آبی کسی از آن راه عبور
اعلیحضرت امپراطور فرانس حکم کرد که مانند چاهی که در پاریس متداول است با آلات بر خوانند که از زمین می مانند چرمی
در معابر و منازل راه سودان حفز نمایند چون همان صحرا یک است گمان می کردند که اطلاق صد ذرع باید حفز
نمایند تا آب بر دست ذرع که حفز نمودند بطوریکه در هیچ محل مشاهده نشده بود آب در فوران آمد چنانکه بهر جا
شد اعلیحضرت امپراطور حکم کردند که در چندین محل لازم آن راه ازین جاها حفز نمایند که راه اند و با سود کی مفتوح باشد
چون در راه مزبور که از بلاد حاره و ریگزار است آبین است در راه مجاز هم که انطور باید باقی این آب است

۲۱۹۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور سنه ۱۳۰۲ مطابق سال ۱۳۷۳

مجلس در آنحضرت	مجلس در آنحضرت
مجلس در آنحضرت	مجلس در آنحضرت

اجبار و احکام محروم پادشاهی

دار آنحضرت

نواب مغفرت تاج بهین مادر حضرت شاه منفقور ماضی تاج شاهان الله بر ما که کرامت نبی و جلالت
 عنقت و طهارت و بزرگواری او از شرح و بیان سخنی است و از بدو دولت قوی شوکت فاجاریه اید الله تعالی
 تا اکنون با نوبی محترم بان جلالت شان که پادشاه شوکت دستگاه اعظم ظاهر و سواد و در وجهه معظّم بوده
 نیاید و بلکه در سلطنتهای گذشته نیز عدلی و نظیرش کمتر بوجود آمده بود عصر روز پنجشنبه ۵ ماه شوال المکرم
 ناگهان با جل هو خود داعی حق را الیک اجابت گفتند ازین جهان عاریت لبرای جا و بد نقل نمود و در چهار حضرت
 مقدّس باری جل کرد و فرار گرفت بعد از آگاهی خاطر خطیر اقدس علیحضرت شاهنشاهی خداوند مکه و سلطنت
 باین قضیه لایق تسلیم و تفویض رای غیره بایون سنجاست و اراده خداوندی امره است علیه حسره و التی تقدیم
 بجهنم آن جنابه محترم در شرف صد و ریافت جناب شرف امجد رفیع صدر اعظم محمّد باجم شاهزادگان عظام
 و امرای کرام و در جوه و اعیان در بار پادشاهی بدرجه حرم سهرای سلطانی حاضر شدند در وقت استماع
 چنانکه سزاوار بود فرمادند و در بدین یاور و امام و ظف عاری برای بر او افتادند و قسبه مجادای در عیانت
 خاصه پادشاهی شدند سرکار علیحضرت آدسن بایون شاهنشاهی نیز که برای تقدیم سنت سینه درین
 ادای حقوق و الدین و تحصیل ثبات حضرت رتب العالمین آمده تشیع جنابه بودند بحضور عرض چکاه بایون
 نفس شریف داشته تا کریاس بزرگ در ب اعلی شایع و از آنجا احبت فرمودند جناب امجد شرف
 بعد از بدرقه وجود بایون دوباره در میدان بزرگ پادشاهی بکوه مشیعی رسیدند عماری را مسجد
 در کمال اعزاز و اکرام رساندند و در مجلس ختم که قبل از وقت در معصومه مسجد مهتاب شده بود با کل علماء شاهزادگان
 و امر و اعیان و سایر صنوف خلایق حاضر شدند و رسم قرانت و طلب مغفرت با حضور همه تاسد و روز در آنجا

۲۱۹۷

مستبر بود و فقاره خانه که از بزرگترین رسوم و آداب سلطنت است در بام مزبور محض احترام این سوک بر سر
موقوف شد بکار و انساره و بازار را ایستاد مردم از طردای آداب عزاداری بمجاملات دواد و سینه خود
نپرداختند بعد از انقضای مجلس ختم چهارم محترمه را با طرز شایان و طور لائق در نهایت عزت و سکوته نقل طبعه
طیبیه قم نموده در جوار نضبه ظاهره حضرت امام هفتم موسی بن جعفر صلوات الله و سلامه علیها و علی آبائین
در جنب مصلح پاک و مرقد نایب اکرمین شهریار نادار فرزند بزرگوار خودشان بجاک سپردند (که)
قرار یک بعرض اولیای دولت علیه رسید در این اوقات سواره از طایفه ضابطه ترکمانه در چاه گردان در
پهلوی منزل میاندشت سه چهار ساعت از شب گذشته بر سر قافله شتره ار که از دارالخلافه میرفتند شتر
چهار نفر ساربان با شصت نفر شتر با متجاوز که چهل شتر آنها مال فرنگ و قند و توون و ما تبقی این
که بجهت مصارف روضه مطهره جناب امام ثامن علی ابن موسی الرضا علیه و علی آبائه و اینها لاف التوجه داشتند
پس در پیش کرده چند بار آهن و اینه را در راه ریخته و باقی بار را برده بودند ولی از میان اقبال بیرون
اقدس ساریون انجلی از سواره مزبوره و سیکر و مقول و مال و اسیر تمام از آنها مسترد گردیده مفصل این مجلس
اینکه مخبون سبک غلام نزدینی از نزدیکین وارد شاهرود گردیده و چند سوار از روس مخوس طایفه ضابطه
خود آورده مذکور داشته بود که عالیجاه فرج الدخان نایب الحکومه نزدیکین بعضی استماع ماحت سواره مزبور قافله
با سواره ابو ایچچی خود بتعاقب آنها ایستاد کرده در باقی توکلن با آنها رسیده سواره ترکمان بجهت اینکه سبک
بار شتران را در راه ریخته و شترها را با سیرا بتجیل میرانند عالیجاه مشارالیه با کمال تهور و جلالت بر سر آنها
چند نفر را مقول و چند نفر را زنده و سیکر کرده شتر و اسیر را بر گردانده بود و از قرار مذکور سواره مزبور
بسیار نفرت متجاوز و از طایفه آقا محمد نام سردار مکه بوده اند که مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایچانی قبل از عهد آنها
تنبیه کرده بود با بچه عالیجاه فرج الدخان و سواره او درین مقدمه نهایت شادت را بعل آورده اند (در ضمن
خلاف هر شجاع طوکانه که در ازاه خدمات مقرب الخاقان توأم الدوله و صاحب نهضان تشون عراقی و حراتی
رحمت شده و در روزنامه دو هفته قبل نوشته شد عالیجاه عباس خان قاجار حاکم ترشیز نیز در آن مقدمه
مصد رحبان شاری شده بود یکوب جبهه ترمه کرمانی هم از جانب معنی بچوب طوکانه در حق او خلفت رحمت کرده
) (در این اوقات که نواب مستطاب بزاده فخرم و الا تبار رکن الدوله العلیه عالیجاه شیر میرزا حکمران
سابق دارالخلافه بکرمانی از بایجان سرازیر گردید چون خاطر خیر طوکانه متعلق بترمیم نواب مستطاب محمد تقی میرزا
که برادر سبک اختر سمرقند سس هالیون شایسته است پس از آن نواب مغزی الیه را بحکومت دارالخلافه طهران سرازیر
و در عزمه ماه ذی قعدة ساعت سعد خلعت آفتاب طلعت و زمان مبارک رحمت و شرفیاب حضور مبارک شد

۲۱۹۸

مورد رعایت و اوقات شامانه کردید و مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه مقرر شد که کجا بماند
 بوزارت دارالخلافه و توابع و پیشکاری نواب مغزی البیه برقرار باشد و طاعت هر طاعت با یون در حق مقرب انخاقان
 شایسته بر حمت کردید (چندیت در ولایت یزد ناخوشی و با ظاهر شده است اگر چه اولیای
 دولت عقیده قرآنین بجهت آسایش اهل ولایت بدار الخلافه و سایر مالک محروسه نگذاشته ولی مقرب شد
 و ضعف در رفع ناخوشی فرور از آن ولایت بودند از قراریکه این روزها از یزد نوشته اند تخفیف کلی در ناخوشی
 بهم رسیده و امید دارند که غمغریب یا تیره رفع بشود از جمله اخباری که جزو مقدمه این ناخوشی در آن ولایت
 نوشته اند که آقای صدر کوچک سبک گشته در یزد قایم ساخت که اصل بنیان آن قبرستان و از جوار آن
 فاضل بود و از قرار تقریر معمار و بنایان در وقت حفرتین آنجا اموات بسیار بیرون آمد خصوصاً آنجا که کلخن حمام
 بود در زیر آن مقبره ظاهر گردید بود که ناچار روی آن مقبره را طاق زده تون حمام ساختند در این اوقات
 که ناخوشی در آن ولایت ظهور کرد شخصی در خواب دیده بود که جمعی از سوختن شکایت می کنند و چند نفر
 مطابق رویای هم دیگر در خواب دیده بودند که دو نفر رسید در پیش ما نداده فاضل شکایت میکردند که جوار
 شما ما را می سوزانند و از قرار که گویا قاسم سید جواد مجتهد هم خواب دیده و بالای منبر ذکر کرده بود که در خواب
 دیدم سیدی را که میگفت مرا در یزد می سوزند و کسی بفریاد من نرسد و از غریب اتفاق اینکه از وقتی که تون
 حمام ز آتش کردند ناخوشی و پادریزد ظهور کرد با سجد امانی و اعیان ولایت نیز در مقرب انخاقان میرزا شفیع
 وزیر یزد آمده که گزارش خوابها و تفصیل زمین حمام و تقریرات معمار و بنایان و ایرین را بیان کرده متفقاً و
 متفقاً اندک کورده استند که بالقطع ظهور این ناخوشی بسبب اینست که اموات از ناب کلخن آن در عهد ابد عاجز
 فرستاد حاکمی آنجا را آوردند و وجه اجاره یکجا حمام را از خود نقد تسلیم کرده فرار گذاشت تا یکجا در حمام را
 بنید و اگر ناخوشی درین مدت رفع نشد بیکار خود برود و از آن روز که حمام بستند روز بروز ناخوشی کم شد
 چنانچه در مدت پانزده روز تفاوت زیاد کرده و سبب نیز اتفاقاً کل اهل آن ولایت گردیده امید دارند که تا
 مدت فرور از این ناخوشی در آن ولایت نماند و موید این حال بعضی از اصحاب متشدین بعد ازین مقدمات در خواب دیده اند که
 قاضی میگفته است چون شام کردید خدا بشمارم کرده ناخوشی را از شما برداشتم در آن اوقات در محل موسم بزرگان زارعی
 خاک زارعت بر میداشت سیراب ظاهر شده خواسته بود درون او بردن آوری شنیده بود که چه میکنی و شست کرده بشمارم بجز آنکه بودی از
 عدول معتبر با بخار فیهی میدیده بودند که اجزایش متلاشی شده و موی صورتش سترده گردیده ولی لوجی که تیغ آن لوم شودند این
 تیغ معینی غمزه کرده در تیغ نیز نوشته یافت که چند نفر در آن عظیم این شهر در آن قن هو اللهی رارض زینان مدفون اند که کس
 بر آن قن و الله در قبر آنها بچاند جانش بکشد و او می شود جمعی استخوان در آنجا ختم کرده و طلب خود برینند و الا آنجا بنگاه است
سایر ولایات

۲۱۹۹

فارس از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور آن ولایت از اتهامات نواب مستطاب
 مؤید الدوله قزین استقام است و امالی آن ولایت بدعا کونی ذات احدس تالیون شاهنشاهی استمال دارند
 (دیگر در روزنامه بندرعباسی نوشته اند که چند روز است که عالیجاه شیخ سعید حاکم بندرعباسی بجهت
 شیخ خالد ولد اکبر و عیال خود از ازمخاق بندرعباسی آورده است و بواسطه اختلاف فیما بین اولاد امام مسقط
 که بعد از فوت او ظاهر شد مشارالیه خواسته است که از صحار و عمان برگردد) (دیگر نوشته اند که در
 اوقات اعراب سمت ریس انجمنه که جزو سلطان صدقند با اعراب شیخ مدعوته بکزاری که در حوالی جزایر قسم
 لارک و صدر و سبجبال که فریب بخیر میفرستادند در آنجا بودند و از آنجا که روزی
 حیات امام مسقط با ستمها را و اعراب ریس انجمنه را متناصل و چند نفر از آنها را مقتول ساخته ارباب قصاص
 و تلافی بنای نزاعی دارند و از قرار مذکور جهت طرفین در عهد شاهنشاهی و همچنین در دوره پهلوی اولی در کما
 در قبیله که از پیشتر است و در صورت کارزار عدت اعراب سمت ریس انجمنه فرو نترسند و بر همین نام ولد سلطان
 صفر مؤسس قنده و واضح است که چنانچه نزاع فیما بین دو فریق واقع شود صید ثوبی امام مسقط حامی و
 کزاری خواهد بود الی حال خبر وقوع نزاع فرسیده و بقولی حال سبقت فتنه از کزاری است و این خبری اصل
 نیست **قزوین** از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور آن ولایت از حسن توجهات اهلیای
 علیه و اتهامات مرتب انخاقان حاجی حسنعلی خان پیکار قزوین منظم و مضبوط است و رعایا و امالی
 آنجا در عین فراغت و آسودگی بدعا کونی ذات احدس تالیون شاهنشاهی استمال دارند و امر شهر و محلات
 در کمال انضباط است و عالیجاه و نواب خان مرکز شهر را با یکصد نفر کشیک مشغول حراست و محافطت
 محلات میباشند و دزدی و سرارتب هیچ وجه اتفاق نی افتد) (دیگر نوشته اند که هر ساله در این اوقات هوا
 قزوین بشت گرم میشد باعث بعضی ناخوشی های میگردد اما سال سحره الله بود رکمال خوبی واقع اند
 و ناخوشی بسیار کم است و زراعت کاران و دماقین زراعت بهاره کاری را امسال بسیار خوب کرده
 خصوصاً در دشت خالف که کمال اتمام شده و زراعت کامل کرده اند و آب هم نسبت بامای دیگر و فور
 دارد بهغات قزوین و آب شرب شده اند رعایا الهی این رکبدر بسیار مشغوف و شکر گذارند و به
 امید واری بارزانی و قزاقانی امسال دارند) (دیگر نوشته اند در روز عید فطر مرتب انخاقان حاجی حسنعلی خان
 پیکار با جمیع اعیان و اشراف ولایت خدمت نواب مستطاب هزاره و الا بتار عبد القدر میرزا حکمران قزوین
 شرفیاب شدند و از جانب نواب معزی الیه کمال اعزاز و احترام در حق علمای اعلام و اعیان و اشراف بعمل آمده است
 به عای بقای وجود و از باد شوکت و دولت احدس تالیون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطان منقضی گردید

۲۲۰۰

دیگر نوشته اند که در روز پنجم چهارم شهر شوال رعد و برقی در قزوین ظاهر شد که بسیار محسوس بود و اکثر مردم از این رعد و برق در تشویش افتادند و امروز در یکی از خانه های محله میدان کوسفند برق بدرختی زده و اورا سوزانده و درها تخته تخته اطراف بر خورده و اورا سگسته و خراب نمود ولی بکسی ضرر جهانی نرسانده و روز قبل نیز مذکور شد که در خارج شهر با رعد و برق غریبی ظاهر گردیده و در دو سه فرسخی یک نفر از لطف نمودن **شم** از قزاقیکه در روزنامه قسم نوشته اند کمال امانت و انتظام در آن ولایت حاصل است **انخاف** ذوالفقار خان حاکم قم و ساسده در نظم ولایت و آسودگی رعیت و معاملات ولایتی و انجام خدمات دیوانی مراقبت کامل دارد و محض رفاه حال رعایا و حصول دعا گوئی جهت آسودگی سلسله ایون سالیان خلد اللهک و سلکاته اکنون که سه ماه از عید لوز در میگذرد مالیات از رعایا دریافت نموده و بسیار قدغن کرده است که دیناری از رعایا مطالبه نکنند تا بعد از رفع محصول که حاصل آنها بدست بیاید وقت ادای حقوق دیوانی نمایند و رعایا ازین رکود کمال شکر گذاری را دارند و همچنین ریح کار جنابز و قصاب را گرفته مان را یکس نیم شاهی و گوشت را یکس کیباسی از زبان نمود که فقرای سالی گذران نمایند و سبب آنهاست مقرب انخافان مشایخ را به سایر اجناس و ماکولات نیر نهایت دقت را دارد و عجز و مساکین در عین رفاه و آسودگی بدعا گوئی دانت آفس تلایون شایه ای اشتغال دارند (چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شد که سبب ساختن سد قدیم شهر قم که بمرد خراب شده و مسکام طغیان آب خرابی شهر میسر شد تعمیرات بقعه و محسن غیر که حضرت معصومه علیها الاف لشمار و توجه و بسن تبدیل دلاک و تعمیرات کاروان و بن آنجا اولیای ددلت علیه و جمعی دیگر مقرر فرموده لوزند که مقرب انخافان ذوالفقار خان این کار را با انجام و اتمام برسانند در این اوقات سرد و خانه کنار شهر را که کارشاه بود در مدت در ماه سعی **بتمام** نموده جمیعاً تا نیم فرسخ مسافت را پاسکند و یک در و ج در کمال استحکام ساخته و با تمام رسانده است **حیی** بهتر و محکم از اول که دیگر هیچ احتمال ضرر سیل شهر نمیرود و همچنین سرد و خانه بل دلاک و تعمیرات بل و کاروان برای آنجا نیز با تمام رسید و الان مشغول تعمیرات روضه مطهره و بقعه و مدرسه **بتمام** و عمارت شاهی جنب صحن مطهر هستند و مدرس فیضیه نیز قریب با تمام است (دیگر نوشته اند که ضعیفه زود از نزد مقرب انخافان ذوالفقار خان آمده مذکور داشت که بزیاارت می آید و ششازده تومان خرجی در آن در راه ضعیفه با من مسفر و شناسانده نخواه مرا صرف نموده و در قم خود را منحی کرده هر چه شخص کردم پیدا شد **بتمام** مقرب انخافان مشایخ را لیه دار و غدا جو بسته و قدغن آید نمود که حکما ضعیفه سارقه را پیدا نماید و دروغه نیز تمام **بتمام** نقض براد ضعیفه سارقه را پیدا کرده نخواه مسرود و از او ستر و حبس تسلیم کرده و آن روزه را استخراج طلب نمود

۲۲۰۱

کردستان از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند از حسن توجهات اولیای دولت
 قاهره و مراقبت داناته مقرب انجاقان والی کردستان نهایت اہمیت و انتظام در آن ولایت
 حاصل و از ابتدای بہار تا اواخر ماہ رمضان المبارک بارندگیهای مافع و مہووع در آن ولایت شدہ
 مراع ہر سبز و خرم و کشت و زراعت بسیار خوب و مرغوب شدہ بکمان دارند کہ حاصل سال شاد و خلی
 بیشتر و بہتر از سالہای گذشتہ بشود در رستان جنس در انجا قدری ترقی داشته است ولی توجہ باید
 زیاد کہ در بہار شدہ تزلزل کئی کردہ بالفعل ہر چیزی زادان دارند ان است و انالی آن ولایت با نہایت
 فراغت و آسودگی بدعا کونی دات اقدس ہایون شائشی اشتعال دارند (دیگر نوشته اند کہ
 مہر طلعت ہایون کہ از جانب سنی اسجانب اقدس ہایون شائشی با فتح مقرب انجاقان والی کرد
 مرحمت شدہ بود در نہم ماہ رمضان المبارک بانجا بر تو وصول افکنده مقرب انجاقان مشارالہ
 انالی ولایت از عالی و ادانی تا خلف ہایون باستقبال شتافتہ لوازم توقیر و احترام خلعت ہایون را بعل آورد
 در در انجا خلعت مہر طلعت را ریب پر دوش محافظت و مہابت نمودہ اجزای شلیک توپ و صرف بہر
 و شیرینی و افطار کردہ بقبضہ سنج مرحمت نمود) (دیگر در روزنامہ جوانرود نوشته اند کہ در شب
 پنجم ماہ مبارک رمضان بارندگی زیاد در انجا شدہ زن و مردی در خانہ خوابیدہ بودند و چند برس برس
 انجا ہشتاد در نصف شب کو سفندان بیکبار لرزیدہ آمدہ و مرد و زن انخانہ بیدار شدہ بکمان سیکر کہ
 کو سفندان زدہ با سیر کو سفند آمدہ کر کی ندیدہ بودند کو سفند را را ہمہ عالم دیدہ تعجب کردہ بودند کہ صد
 آنها از چہ جہت بودہ است بعد از خاطر جمعی از کو سفندان خواستہ بودند کہ بجای خود مرحمت کردہ بچوانہ ہوز
 داخل الحاق شدہ ناگاہ سقف خانہ فرو آمدہ ہر چہ در خانہ بود بزیر خرابی ماند و ان زن و مرد سچہ او
 کو سفندان از ان تملکہ خلاصی یافتہ سلامت ماندند و اینر جلد را حسن اتفاق و محض بفضل و حفظ خداوندی
 دہستہ سجدات شکر الہی را بعل آوردند) (دیگر نوشته اند کہ پاشا بیک نایب توپخانہ کہ در کردستان بود
 ہرزگیہا و تعذبات او نسبت توپچیان ابو کجعی خود و سایر مردم مقرب انجاقان میرنج توپخانہ مبارکہ اورا بد
 حبیب اخصا و شجعی بیک نایب اول را عوض اوب خلوی کردستان روانہ کردہ و باو نوشتہ دادہ بود کہ تا شای
 مزبور را با بدعیانش بیکمہ شرع بردہ و دعاوی آنها را با اد طی کردہ بعد اورا بدار اختلافہ روانہ نمایند با
 چند روز بدفع الوقت و امر و زور و کڈزاندہ بعبان را بوعده سرگرم کردہ بی اخصا شجعی بیک توپچیان
 فرار دادند و از اختلافہ شدہ است ما زندان از قراریکہ در روزنامہ انولایت نوشتہ اند نواب
 مستطاب لطف اللہ میرزا حکم ان ما زندان و مقرب انجاقان محمد حسن خان پیکار انولایت در انتظام امر

۲۲۰۲

ولایت و رفاه و آسودگی رعایا و برپا و انجام خدمات دیوانی مراقبت و اهتمامات و انفی بعل می آورند
و بنایت انضباط در امور سرحد و لغو حاصل است و در عشر اول ماه رمضان المبارک سی نفر سوار
و یکصد نفر پیاده اشرف توابعی را سرب کرده کی عالیجاه محمد حقیق خان هزار جریبی مأمور مستحق علی کنار فریضه جات
نمودند و از وقت ماموریت آنها دزوی و هرزگی طایفه ضاله رگانیه بلامرّه موقوف شده و رعایای آن
از این معنی زیاده آسوده و شاکر و دعا گو میباشند (دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان محمد حسن خان
حاجی یعقوب بار فزوشی مباشر کارخانه شکر ریزی دولتی را با استناد نوز محمد قناد از بلده بار فزوش
به بلده سناری خواسته حسب الامر اولیای دولت قاهره بعل کارخانه مینوردت و رسیدگی نمود
صورت عمل آنها را مطالبه نمود و بعضی اسبابشان که ناقصی است تاکید اکید نمود که تمام کنند تا کارخانه
مربور و کمال انتظام و عنقریب منافع کلی از او حاصل شده و رواج تمام خواهد یافت و همچنین در امور خالصت
دیوانی رسیدگی کامل نموده اشخاص معتبر را مقصدی امور خالصت کرده و قدغن اکید در حسن سلوک رعایا
و ملاحظه رفاه احوال و آسودگی آنها نموده رعایا و زارعین خالصت کمال امیدواری را بهم رسانند و
یکبار کاروانسرای مشهور بکاروانسرای شاه واقع در بلده سناری خراب و قریب سیل بل متجاوز بود
که اجاره و مال دیوان از انجا حاصل نمی شد در این اوقات مقرب انخاقان مشارالیه بر آورد تعمیر و بنای
انجا را نموده مصاح و سباب کار فرام آورده بنا و عمه مشغول کار شدند که انجا را بجای آبادی در آوردند
و هم چنین شهر منطقه بقریه مرمت که سابقاً بتول نواب مستطاب هزاره مخنم و الا بتار کن الدوله
اردمیرزا بود و حال بخالصه دیوان معمول است بواسطه سیل خراب و در عین زراعت آب نهر نوب
قطع گردیده بود مقرب انخاقان مشارالیه در بنده لهند صد تومان بر رعایای انجا تخفیف داد که نهر نوب را
تعمیر کرده آب انجا جاری نموده و زراعت کنند و مبلغ نوب را در سال آینده کار سازی دیوانیان
نمایند

احبار دول خارج

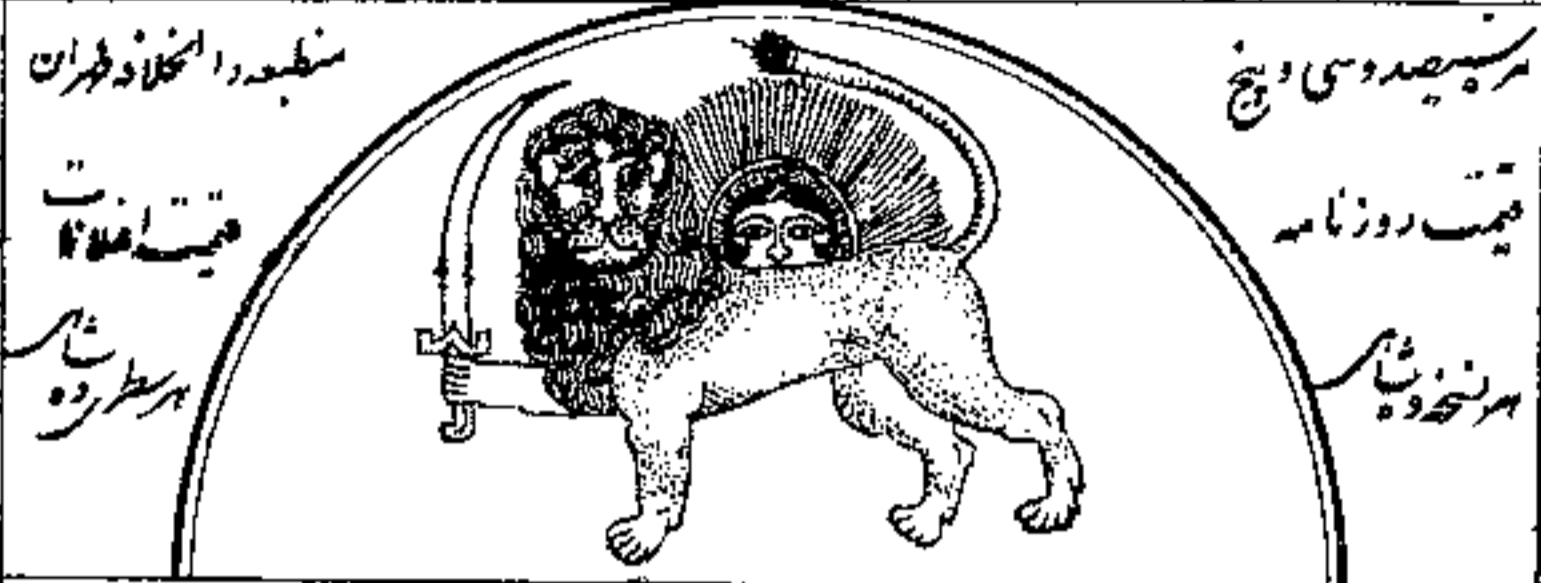
از قراریکه در روزهای فرنگستان نوشته اند نواب عزاند و قطنین برادر اعظم حضرت امیر اطور روسیه که
وکیل بحری دولت نوبور است نوشته شده بود که سابقاً بشه منیس پای تخت سار دینه بیدن و والده خود
رفته و از انجا از راه پاریس بفرنگ عزیمت کرده بود بموجب اخباری که بعد رسید نواب مغزی الیه
بعد از وصول پاریس عزیمت لندن نموده اند که کشتی ساز خانه های انجا را تماشا نمایند و که از شهنش
پشان را بلیذن سفیر دولت روسیه بقیم لندن بادلیای دولت بکلیس رسماً اعلان کرده بود بموجب اخبار
که بعد رسید نواب مغزی الیه در واسطه ماچیب باگنی بخار کشتی ساز خانه بلون وارد گردیده اند و سبب ملاقات نواب

۲۲۰۳

سفری الیه سفیر دولت روسته که در پارس بود غزیت انجام داده است (در این اوقات در وقت
 پای تخت دولت استریه شهرت یافته بود که در جوار شهر فروردین محل بل ترس نام اجنه آمد حتی بعضی نوزکان
 آورده میزند استماع اصوات غریبه از آنها می شود از صاحبان عقل و کیمیاست الهی وینه متجا و راز صد
 بجهت دیدن اجنه استماع او از نوزکانشان با نجان غزیت کرده و نوزکان چنان معروف آن لایت نیز همی تحصیل
 فنون نوزکان با نجان رفت در نصف شب خلق کثیری در آنجا جمع گشتند حتی بجهت کثرت وارد حاکم خلق از جانب
 حکومت نیز اول بهار با نجان و ستاده شد که خلاف نظمی اتفاق بیفتد با بجهت مردم در آنجا جمع آمد سنسظر استماع
 نوزکان جن بود چون این آوازها گویا بجهت شد و بهار نسیم تعارف ظهور میکرد است و آن شب هوا طایم بود ^{مطلقا}
 او ای بسع آنها رسید بعد از آنوسی راحت بنازل خود نمودند بعضی کسانی که زیاد صاحب عقل و در است ^{بودند}
 چند شب دیگر با نجان رفت تا صبح بیدار برده اند نوز چیزی معلوم شده است (از بقیه اختلافات بین دولت ^{سابقا}
 در این اوقات باز در شهر سر اغوسی اسپانیول با این بعضی ارباب دپاره قبل و قال در باب دولت ^{تنگ}
 نمود دولت اسپانیول مستحضر شده فی الحال اشخاص مرقوم را دستگیر و متاصل نموده اند (در این
 اوقات از جانب جمهوری متمدنی دنیا بجهت تسلیح بعضی مواد مهمت بد دولت چین سفیری مانور کو دیده
 در روزنامه نوشته اند) (از کشتیه های نجان در ولتی فرسه بکشتی از طولون با سلامبول می آمد در ^{آل}
 ماه رمضان المبارک هوا طوفان شد بد کرده و کشتی بکل نشد اگر چه الی کشتی منور همه ساحل سلامت در ^{آل}
 ولی کشتی شکسته و غرق گردید) (در محاربات بعضی از ممالک روس که محل جنگ بودند االی ^{نجان}
 زیاده متضرر و پریشان شده بودند بجهت تدارک حارت و ترفیه احوال آنها بعضی مالیاتشان از جانب
 اعلیحضرت امپراطور دولت روس تخفیف مقرر گردید چون اکثری هم در وقوع محاربات رنجدار شده بودند
 و اینقدر رعایت نسبت با آنها جزئی بود و تدارک پریشانی احوال آنها را میکرد لهذا در این اوقات باز ^{نجان}
 معین از جانب اعلیحضرت امپراطور حکم شده است که از سایر ممالک روس تحصیل شده با آنها عاید سازند
 (از جانب دولت روس خبرال استرغوف نام سابقا بجهت تحقیق احوال رعایا بدرون ممالک روسیه
 مانور شده بود در این اوقات مشارالیه مأموریت خود را با تمام رسانده و از جانب دولت روس ^{نجان}
 بیاک کردن لنگرگاه خواج بیک گردیده است) (در این اوقات از جانب دولت فرانس بجهت
 رفت آمد بسته ایالت جزایر راه آسنی منظور شده است که ساخته شود از جانب اعلیحضرت امپراطور
 فرانسه اعلان شده است که هر قوم پانجه که نهند ساختن راه مذکور را نماید از نظرات عسکریه با و عمله کاوداد
 شده و بعضی اسباب سهولت بیزاران دولت رعایت خواهد شد

۲۲۰۴

روزنامه قایع اتفاقیه تاریخ یوم خمسه و نهم شهر صفر سنه ۱۲۷۲



سنگبند دارالخلافه طهران
قیمت روزنامه
هر نسخه و شش

هر نسخه و سی و پنج
قیمت روزنامه
هر نسخه و شش

اجبار و چند مالک محروم شده پادشاهی

دارالخلافه طهران

موازی دارالخلافه طهران اگرچه در کمال خوبی است و نسبت به سایر بلاد دیگر که در این موسم انواع امراض عقلی در میان مردم بود اما سال بجمده هیچگونه ناخوشی نیست ولی چون باقتضای فصل گرما در شهر قدری شدت کرده هوای بیلافت مطلوب است لهذا علیحضرت آقدس بهایون شاهی بقرار بهر سال عزیمت میلاق میمانند فرموده در روز پنجشنبه گذشته از دارالخلافه مبارکه حرکت و نظریه خوبی و خرمی عمارت و باغ و آوژده با کمال نزول اجلال فرمودند از جانب جناب شرف امجد رفیع صدر اعظم محترم و جناب قیامت نصاب نظام الملک سایر مستحقان ایشان لوازم خدمتگذاری و جان نثاری از پای انداز و مشکش قربانیه و سایر انجام خدمات بعمل آمده بر وجود فایض وجود بهایون بسیار خوش گذشت و خدمات ایشان ریاضه مستحسن و مقبول خاطر حضرت ملوکانه افتاده چند روز در اینجا توقف فرموده در روز سه شنبه ششم از آنجا تشریف فرمای عمارت قصر نیوران شدند (دارالخلافه طهران در کمال امنیت و انتظام است و نواب استیجاب بهر ده محترم و اولاد استیجاب محمد تقی میرزا حکمران دارالخلافه و مقرب الخاقان میرزا موسی و وزیر بهر روزه در عمارت دیوانی نشسته با امور رسیدگی مینمایند و همچنین عمده الامراء العظام همچو خان بیکریکی و امیر تومان در باغ ارک جناب شرف امجد رفیع حسب احکام منزل کرده و با مورات نظام و قراول ارک و امور حبه خانه و قورخانه مبارکه و غیره رسیدگی مینمایند عالیجنابان کلانتر و که خدایان همگی در مراقبت خدمات محوله تجدد و نظم شهر و محلات نهایت اهتمام برادر و خلاف قاعده از قبیل سرقت و شرارت از احدی ناشی و صادر نمی شود و همچنین قراول خانه های شهر در کمال نظم است و از جانب صاحب منصبان نهایت مراقبت در نظم قراولخانه ها و حفظ و حرارت محلات بعمل

۲۲۰۵